

Dear Traders

There is Magic in RSI



RSI tells the secrets
Are you listening?

Sudhir Dixit

<https://t.me/sanibabourse>

<https://sanibourse.com/>

معامله‌گران عزیز،

جادویی در RSI وجود دارد.

RSI اسرار را فاش میکند، آیا

گوش می‌دهید؟

نویسنده: سودهیر دیگشیت

ترجمه: سانی بورس

"اگرچه ما پیشنهاد نمیکنیم که فقط از یک شاخص استفاده شود، اما اگر کسی مجبور بود، شاخص RSI با دوره ۲، آن شاخص خواهد بود."

- لری کانرز، بنیانگذار، کانرز ریسرچ

فهرست مطالب

[مقدمه: چرا RSI اینقدر جادویی است؟](#)

۱. [چالش های پنهان معامله‌گری با RSI](#)

۲. [تولد و رشد RSI](#)

۳. [راز واقعی RSI در روش محاسبه آن است](#)

۴. [۱۰ سیگنال برتر RSI](#)

۵. [واگرایی ها: صعودی و نزولی](#)

۶. [بازگشت ها: مثبت و منفی](#)

۷. [محدودیت های RSI](#)

۸. [بهترین بازه زمانی کدام است؟](#)

۹. [۲۰ استراتژی معاملاتی محبوب RSI](#)

۱۰. [شکستن یک افسانه: آیا RSI میتواند برای چندین ماه در منطقه اشباع خرید/فروش باقی بماند؟](#)

۱۱. [نکات تکمیلی](#)

مقدمه: چرا RSI اینقدر جادویی است؟

«در بیش از سی سال کارم، چیزی را نیافته‌ام که بتواند با کاری که RSI انجام میدهد رقابت کند.» - اندرو کاردول

همه ما نوعی نزدیکی طبیعی با یک شاخص خاص داریم که چیزهایی بیشتر از آنچه به دیگران میگوید، به ما میگوید. به نظر میرسد یک پیوند طبیعی و شیمی شگفت‌انگیزی وجود دارد. درست مانند دوستان صمیمی! شاخص‌های مختلف برای افراد مختلف جذاب خواهند بود، بنابراین اولین کاری که باید انجام دهیم این است که شاخص مورد علاقه خود را انتخاب کنیم. برای من، RSI است؛ برای شما ممکن است MACD یا CCI یا شاخص جریان پول یا WMA یا هر شاخص دیگری باشد. وظیفه ما این است که شاخص مورد علاقه خود را بشناسیم و بیشتر از آن استفاده کنیم، زیرا احتمال موفقیت ما را افزایش میدهد.

اجازه دهید از همین ابتدا یک چیز را به شما بگویم؛ این یک تصادف است که شما این کتاب را میخوانید، زیرا من آن را برای خودم نوشته‌ام! میخواستم تمام اطلاعات مهم، بینش‌ها، آموخته‌ها و تجربیات پراکنده در مورد RSI را در یک مکان جمع‌آوری و خلاصه کنم... و انتشار یک کتاب، انگیزه مناسبی برای من بود!

من به شما اطمینان میدهم که پس از خواندن این کتاب، بهتر میتوانید سیگنال‌های جادویی RSI را درک و قدردانی کنید. و شاید، جادوی RSI روی شما هم اثر بگذارد و شما هم آن را به همان شکلی که من دوست دارم، دوست داشته باشید!

«شاخص قدرت نسبی (RSI) شاید محبوب‌ترین نوسانگر تکنیکال باشد، زیرا نشانه‌ای آسان برای تفسیر از نقاط احتمالی چرخش بازار و قدرت روند ارائه میدهد.» - متیو کلمنتس، سردبیر

مجله The Technical Analyst

اجازه دهید صادقانه اعتراف کنم که قبل از نوشتن این کتاب، فکر میکردم چیزهای زیادی در مورد RSI میدانم، اما روند تحقیق برای کتاب مرا متواضع کرد. در طول تحقیقاتم، چندین کتاب، ده‌ها وبلاگ/مقاله و نوارهای اندرو کاردول را مرور کردم. آن زمان متوجه شدم که چقدر چیزهایی وجود دارد که نمیدانستم! و بر همین اساس، ممکن است چیزهای زیادی وجود داشته باشد که هنوز نمیدانم. با این حال، من صادقانه سعی کرده‌ام تا آنجا که میتوانستم دانش عمیقی در مورد RSI به دست آورم. ادعا نمیکنم که همه چیز را در مورد RSI میدانم، اما آنچه میدانم ارزش گفتن دارد.

به نظر من، RSI یک شاخص جذاب و پویا است. دیگران ممکن است آن را فقط یک نوسانگر مومنتوم بدانند که در بازارهای محدود به دامنه عملکرد بهتری دارد، اما باور کنید، حتی در بازارهای دارای روند نیز میتواند سیگنال‌های مهمی به شما بدهد. اگر حرف مرا باور نمیکنید، حداقل اندرو کاردول را باور کنید که گفته است: "در بیش از سی سال کارم، چیزی را نیافته‌ام که بتواند با کاری که RSI انجام میدهد رقابت کند."

اکثر شاخص‌های دیگر مانند میانگین‌های متحرک، شاخص‌های تاخیری هستند، زیرا قدرت پیش‌بینی ندارند.

از طرف دیگر، RSI یک شاخص پیشرو است که اگر توانایی رمزگشایی آنها را داشته باشیم، میتواند سرخ‌های مهمی در مورد قیمت‌های آینده به ما بدهد.

من RSI را جادویی مینامم، زیرا میتواند قیمت‌ها را پیش‌بینی کند، زیرا میتواند به ما بگوید کجا وارد شویم و کجا خارج شویم.

به طور خلاصه، اینها برخی از مهم‌ترین چیزهایی هستند که RSI میتواند به ما بگوید:

- RSI میتواند به ما بگوید که آیا احتمال افزایش یا کاهش قیمت وجود دارد (مومنتوم).
- RSI میتواند از طریق واگرایی‌ها، زمانی که یک روند در حال تغییر است (کاهش مومنتوم)، به ما هشدار دهد.
- RSI میتواند از طریق برگشت‌های مثبت و منفی (ابداعات اندرو کاردول) سیگنال‌های ادامه روند را به ما بدهد.
- RSI حتی میتواند به ما در تعیین اهداف قیمتی برای برگشت‌های منفی و مثبت کمک کند (باز هم کشف اندرو کاردول).
- RSI میتواند به طور نسبتاً دقیقی از قبل بگوید که آیا در یک کانال یا الگو شکست رخ خواهد داد یا خیر (زیرا یک شاخص پیشرو است).
- RSI میتواند به ما بگوید چه زمانی بخریم و چه زمانی بفروشیم (این هدف اصلی اختراع آن توسط وایلدِر بود).
- و اگر زحمت استفاده از یک فیلتر بر اساس سیگنال‌های RSI را بکشید، RSI حتی میتواند فهرستی از گزینه‌های خرید خوب را نیز به شما ارائه دهد.

ایده بدی نیست!

اگر یک شاخص میتواند همه اینها را به ما بگوید، آیا فکر نمیکنید باید بیشتر در مورد آن بدانیم؟

به یاد داشته باشید، برای موفقیت در بازار سهام، فقط باید سه چیز را بدانیم:

۱. چه چیزی بخریم؟

۲. چه زمانی بخریم؟

۳. چه زمانی بفروشیم؟

RSI میتواند هر سه این موارد و بیشتر را به ما بگوید!

برای جزئیات بیشتر به خواندن ادامه دهید.

فصل ۱: چالش‌های پنهان معامله‌گری با RSI

«شاخص RSI یک معشوقه بی‌رحم است! او ما را با وعده‌های پول آسان و موفقیت در معاملات فریب میدهد، فقط برای اینکه موجودی حساب معاملاتی شما را در یک سری از برخوردهای بد حد ضرر خالی کند، حتی اگر شاخص گفته باشد بخرید! شاخص RSI معمولاً نوسانگر مورد علاقه معامله‌گران تازه‌کار هنگام تصمیم‌گیری برای ورود به اولین معامله است. دلیل ساده و موجهی برای این وجود دارد: شاخص RSI ساده برای خواندن و درک است.» - از مقاله Humbletraders.com

- کمبود مطالعات RSI در زمینه بازار هند
- کمبود کتاب در مورد RSI
- چالش بازه زمانی
- چالش دوره RSI
- تفاوت بازارهای هدف
- تفاوت قرائت‌های RSI در نرم‌افزارها/وبسایت‌های مختلف
- ابهام در اصطلاحات

در نگاه اول، معامله بر اساس RSI آسان به نظر میرسد. اما خدای من، در باطن بسیار پیچیده است. نقل قول بالا وضعیت را به طور نسبتاً دقیقی خلاصه میکند.

چالش‌های خاصی وجود دارد که به دلیل آنها، RSI احتمالاً پیچیده‌ترین شاخص در کل دنیای بازار سهام است. اکثر معامله‌گران از این چالش‌ها اطلاعی ندارند، به آنها توجه نمیکنند و سپس تعجب میکنند که چرا RSI برای آنها کار نمیکند.

این کتاب شما را با چالش‌های پنهانی آشنا میکند که مانند موانعی در مسیر معامله‌گری جدی مبتنی بر RSI هستند.

ببینید، بیشتر ما از شاخص‌ها بدون دانستن اسرارشان استفاده میکنیم.

به عنوان مثال، وقتی شروع به یادگیری تحلیل تکنیکال کردم، نمیدانستم RSI چگونه محاسبه میشود، چرا واگرایی میدهد و چرا به آن شاخص پیشرو میگویند.

مهم‌تر از همه، هرگز به ذهنم خطور نکرده بود که یادگیری این موارد به خودی خود مهم است.

برای من، RSI فقط یک شاخص بود، مانند MACD یا Ultimate Oscillator بنابراین به استفاده از آنها با کمک investopedia یا سایر پلتفرم‌های آنلاین مشابه ادامه دادم.

البته، آن زمان از برگشت‌های مثبت و منفی اطلاعی نداشتم. آنقدر کم در مورد RSI میدانستم که میتوانست روی یک تمبر پستی نوشته شود، با این حال آیا فروتن بودم؟ به هیچ وجه!

شاید شما هم در همین وضعیت باشید! ببینید، ما با خواندن یا به طور تصادفی یکی دو ترفند پیدا میکنیم و خودمان را استاد RSI یا هر نوسانگر دیگری میدانیم. ما زحمت کندوکاو عمیق در یک شاخص را به خود نمیدهیم، بلکه برای یافتن شاخص جادویی به تغییر مداوم شاخص‌ها ادامه میدهیم.

فقط به یاد داشته باشید، با حفر ۱۰۰ چاله کم عمق، نمیتوانید در حفر یک چاه موفق شوید. اگر میخواهید چاهی حفر کنید، به حفر در یک مکان ادامه دهید. و اگر میخواهید در بازار سهام عمیق شوید، بگذارید آن مکان RSI باشد. اگر عمیق بکاویم، شاید به طلا برسیم!

این خیلی خوب است که فقط روی RSI تمرکز کرده‌اید و هیچگاه تمرکزتان را تغییر نداده‌اید. میتوانید مطمئن باشید که من نسبتاً عمیق‌تر از حد معمول کندوکاو کرده‌ام (اگرچه به دلیل مشغله‌های حرفه‌ای دیگر، نمیتوانم زمان زیادی را به بازار سهام اختصاص دهم). نکته دیگر اینکه، من هرگز با برگشت‌های مثبت یا منفی معامله نکرده‌ام، بنابراین هیچ دانش عملی در مورد آنها ندارم. من واگرایی‌های RSI را زیاد معامله کرده‌ام و میتوانم اثربخشی آنها را تضمین کنم. نکته دیگر اینکه، من هرگز فروش استقراری انجام نداده‌ام، بنابراین این کتاب با گرایش

به خرید نوشته شده است.

حالا میخواهم دام ها یا چالش هایی را به شما بگویم که یک معامله‌گر RSI معمولاً با آنها روبرو میشود و ممکن است از آنها بی‌خبر باشد.

کمبود مطالعات RSI در زمینه بازار هند

بینید، کسب دانش عمیق در مورد RSI یا هر شاخص دیگری بسیار دشوار است. برای این کار، ما به کمک کتاب های خوب، تمرین انحصاری زیاد و بحث کامل در مورد موفقیت ها یا شکست های این شاخص در زمینه بازار هند نیاز داریم. ما در بازار سهام هند با قوانینی معامله میکنیم که برای بازارهای ایالات متحده نوشته شده‌اند.

متأسفانه، بیشتر وبسایت ها و کتاب های هندی حاوی مطالب کپی شده از وبسایت ها یا کتاب های خارجی هستند. هیچکس به طور جدی زحمت بررسی این موضوع را نداده است که آیا تکنیک های RSI خارجی در زمینه بازار هند کار میکنند یا خیر (در این کتاب خواهید دید که برخی از آنها اصلاً یا همیشه کار نمیکنند). ما به طور جدی با کمبود مواد آموزشی بومی روبرو هستیم. آنچه در بازار آمریکا کار میکند، لزوماً در بازار هند کار نمیکند.

البته، چندین وبلاگ هندی یا انجمن معاملاتی یا صفحات فیسبوک بازار سهام وجود دارد که گه‌گاه بحث‌هایی در مورد شاخص‌های تکنیکال در آنها میابیم، اما متأسفانه کمبود بحث جدی در مورد شاخص‌های تکنیکال و راز و رمزهای آنها وجود دارد.

کمبود کتاب در مورد RSI

حتی در ایالات متحده نیز کتاب‌های زیادی به طور انحصاری به RSI اختصاص داده نشده‌اند. در بیشتر کتاب ها، شما فقط یک فصل ۱۰ صفحه‌ای در مورد RSI پیدا خواهید کرد که کم و بیش همان اطلاعاتی را تکرار میکند که در کتاب های دیگر خواهید یافت.

هر کتابی که نوشته شده است، دستور کار پنهان خود را در پس آن دارد. آنها برای تبلیغ سیستم های معاملاتی، شاخص ها یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری خود نویسنده مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، پل دین جزوه های مفیدی در مورد RSI نوشته است، اما بیشتر آنها برای تبلیغ شاخص RSI Paint او نوشته شده‌اند.

جان هایدن کتاب خوبی در مورد RSI نوشته است، اما او یک برنامه نموداری برای معامله‌گران حرفه‌ای را تبلیغ میکند، با این هدف که یک ابزار RSI خاص را بفروشد.

اندرو کاردول البته کارهای زیادی برای محبوبیت RSI انجام داده است، اما او به فروش برنامه‌های صوتی خود نظر داشت؛ او کتاب خود را منتشر نکرده است زیرا برنامه‌های صوتی سودآورتر هستند.

بنابراین میبینید، RSI فرزند نادیده گرفته شده دنیای بازار سهام است. و کسانی که آن را پذیرفته‌اند، اهداف پنهان خود را دنبال میکنند.

چالش بازه زمانی

هر بحثی در مورد RSI میتواند گمراه‌کننده باشد، مگر اینکه بازه زمانی خود را به وضوح مشخص کنید. بیشتر مشکلات رخ میدهند و بیشتر سیگنال‌ها شکست میخورند، فقط به این دلیل که ما استراتژی RSI یک بازه زمانی را در بازه زمانی دیگری اعمال میکنیم که در آن جایگاهی ندارد. جای تعجب نیست که نتایج مورد نظر را نمیدهد! ببینید، آنچه در نمودار روزانه کار میکند ممکن است در نمودار هفتگی کار نکند و بالعکس. شاید به همین دلیل است که ما نظرات متناقض زیادی در مورد RSI میبینیم. کسانی که در نمودارهای ۱ دقیقه‌ای معامله میکنند، قوانینی را در وبلاگ‌های خود وضع میکنند و سرمایه‌گذاران نمودار روزانه تعجب میکنند که چرا آن قوانین موفق نمیشوند. به بازه زمانی نمودار توجه کنید!

وایلدِر RSI را برای نمودار روزانه اختراع کرد! اندرو کاردول نمودارهای هفتگی را ترجیح میداد! جای تعجب نیست که تکنیک‌های آنها تا این حد متضاد هستند. همیشه به یاد داشته باشید، ترفندهای RSI که در یک بازه زمانی کار میکنند ممکن است در بازه زمانی دیگر کار نکنند.

در این کتاب، ما عمدتاً RSI را از منظر بازه زمانی روزانه مورد بحث قرار داده‌ایم، اگرچه در برخی جاها نمودارهای هفتگی یا دقیقه‌ای نیز آورده شده‌اند. (ما در فصل بعدی به تفصیل در مورد بازه‌های زمانی بحث خواهیم کرد!)

چالش دوره RSI

برای افزودن به این سردرگمی، RSI میتواند برای دوره‌های مختلف تنظیم شود که ممکن است نتایج بسیار متفاوتی به دست دهد. وایلدِر دوره‌ای ۱۴ روزه را برای نمودار روزانه خود تعیین کرده بود.

اما برای دریافت سیگنال‌های بیشتر، معامله‌گران روزانه این تنظیمات را تغییر میدهند و از دوره‌های کوتاه‌تری مانند ۹ دوره یا ۳ دوره استفاده میکنند. سرمایه‌گذاران بلندمدت از تنظیمات برای دوره‌های طولانی‌تر، مانند ۲۱ دوره یا بیشتر استفاده میکنند. بنابراین نه تجربیات آنها و نه یافته‌هایشان برای سرمایه‌گذاران معمولی چندان مفید نخواهد بود، مگر اینکه آنها با تغییر دوره‌های RSI معامله کنند.

تفاوت بازارهای هدف

ببینید، بازارهای مختلفی در جهان وجود دارد. آنچه برای معامله‌گران فارکس نوشته شده است (مانند کتاب‌های پل دین) ممکن است برای یک معامله‌گر بازار سهام مفید نباشد، زیرا حرکات در بازار فارکس در سطح کوچکتری رخ میدهند، بنابراین سود یا زیان ۱ دلاری در قیمت به عنوان سود یا زیان سنگین تلقی میشود. به همین ترتیب، استراتژی‌های RSI معامله‌گران کالا، معامله‌گران اوراق قرضه یا موارد مشابه ممکن است در بازارهای سهام موفق نشوند. وقتی بازارهای هدف متفاوت باشند، استراتژی‌های موفق نیز احتمالاً متفاوت خواهند بود. آنچه در یک بازار موفق میشود، لزوماً در بازار دیگر موفق نخواهد شد.

این کتاب به طور خاص برای بازار هند نوشته شده است. این کتاب عمدتاً برای معامله‌گران کوتاه‌مدت (که بازه زمانی آنها کمتر از یک سال است) نوشته شده است، اگرچه بیشتر یافته‌ها توسط معامله‌گران روزانه و سرمایه‌گذاران بلندمدت نیز قابل استفاده است.

تفاوت قرائت‌های RSI در نرم‌افزارها/وبسایت‌های مختلف

البته، چندین وبلاگ بازار سهام و گروه‌های فیسبوکی وجود دارند که در آنها معامله‌گران یافته‌های خود را در مورد RSI منتشر میکنند، اما من با کمال تأسف متوجه شدم که این یافته‌ها همیشه قابل اعتماد نیستند. دلیل ساده این است که به دلیل هموارسازی یا عدم تطابق طول داده، قرائت‌های RSI در وبسایت‌ها یا نرم‌افزارهای نموداری مختلف، متفاوت است. بنابراین وقتی در مورد واگرایی نزولی در RSI صحبت میکنید، ممکن است معلوم شود که در واقع هیچ واگرایی نزولی وجود نداشته است و به دلیل قرائت اشتباه RSI در نرم‌افزار شما، فکر کرده‌اید که واگرایی وجود دارد، در حالیکه وجود نداشته است.

بیشتر مردم نرم‌افزارها و ابزارهای رایگان را دوست دارند. اما قرائت‌های RSI آنها مطابقت ندارد. به همین دلیل است که فیلترهای Chartink برای استراتژی‌های معاملاتی خاص RSI دامنه

محدودی دارند، زیرا قرائت‌های RSI آن ناسازگار یافت شده است. البته، ما میتوانیم سیستم معاملاتی موفق خود را بر اساس قرائت‌های اشتباه از طریق آزمون و خطا توسعه دهیم، اما استراتژی‌های مرسوم ممکن است در آنجا کار نکنند.

بگذارید مثالی در این مورد بزنم:

قرائت RSI نرم‌افزار Chartnexus برای ۳۰ آوریل ۲۰۲۰ برای نماد Nifty (روزانه) بالای ۷۰ است، در حالی که در Traders Cockpit این رقم ۵۹.۵۹ است.

بنابراین اگر بر اساس سیگنال Chartnexus معامله کنید، اشتباه خواهید کرد. با این حال، اگر تنظیمات را تغییر دهید و از شاخص RSI هموار شده استفاده کنید، به نتیجه نزدیک خواهید شد.

مثال دیگری از قرائت‌های RSI در نمودار ۱ ساعته در پایان روز برای ۳۰ آوریل ۲۰۲۰:

- قرائت Chartink: ۷۷.۵۹

- قرائت Investing.com: ۷۶.۵۳

- قرائت Traders Cockpit: ۷۵.۵۱

آنها متفاوت هستند! مطابقت ندارند! اگرچه این اختلاف زیاد به نظر نمیرسد، اما در نقاط عطف بحرانی (مانند سطوح اشباع خرید/فروش) چنین اختلافی میتواند بسیار مهم باشد.

برای جلوگیری از هرگونه سردرگمی، در این کتاب، من به قرائت‌های RSI وبسایت Investing.com و نرم‌افزار Spider تکیه کرده‌ام.

نکته مهم: قرائت‌های RSI در نرم‌افزارهای مختلف متفاوت است، بنابراین احتیاط کنید. هر زمان که بر اساس قرائت‌های RSI معامله میکنید، مطمئن شوید که بر اساس قرائت‌های صحیح ارائه شده در Investing.com معامله میکنید.

ابهام در اصطلاحات

در دنیای RSI، به دلیل تنوع بسیار زیاد واگرایی قیمت/RSI، سردرگمی زیادی وجود دارد که بیشتر آنها کاملاً ضروری و تکراری هستند. واگرایی RSI صعودی، واگرایی RSI نزولی، واگرایی

معامله‌گران عزیز، جادویی در RSI وجود دارد. RSI اسرار را فاش میکند، آیا گوش می‌دهید؟

مثبت RSI، واگرایی منفی RSI، برگشت مثبت، برگشت منفی، واگرایی RSI معمولی، واگرایی RSI کلاسیک، واگرایی صعودی پنهان، واگرایی نزولی پنهان و غیره وجود دارد. به نظر می‌رسد هر متخصصی وارد میشود و نام جدیدی به الگوهای RSI میدهد.

در این کتاب، ما به تفصیل چهار الگوی واگرایی قیمت/RSI را مورد بحث قرار خواهیم داد: واگرایی صعودی و واگرایی نزولی (هر دو توسط وایلدِر)، برگشت مثبت و برگشت منفی (هر دو توسط کاردول). تمام اصطلاحات ذکر شده در بالا در این چهار سیگنال RSI پوشش داده شده‌اند.

بله، حالا که ایده نسبتاً خوبی از چالش‌های کاربرد RSI به دست آوردیم، باید به آغاز برویم، به زمانی که کل داستان RSI شروع شد. منظورم این است که بیایید بدانیم RSI چگونه اختراع شد و برای چه هدفی؟

فصل ۲: تولد و رشد RSI

RSI مومنتوم را اندازه‌گیری میکند و مومنتوم شاید مهم‌ترین عامل در معامله‌گری باشد. اگر مومنتوم را درک کنید، ۹۰ درصد راه را رفته‌اید. - پل دین

- RSI چیست؟
- خطوط و مناطق در پنل RSI
- چرا RSI اختراع شد؟
- RSI یک شاخص پیشرو است

شاخص قدرت نسبی یا RSI توسط جی. ولز وایلدِر اختراع شد و او آن را در کتاب خود با

عنوان «مفاهیم جدید در سیستم‌های معاملاتی تکنیکال» در سال ۱۹۷۸ شرح داد.

عجیب اینکه، او RSI را فقط در ۸ صفحه شرح میدهد و در بقیه کتاب به بحث و شرح سایر

ابزارها و شاخص‌ها به تفصیل بیشتری میپردازد.

این جالب است! حتی خالق آن هم اهمیت RSI را به طور کامل درک نکرده بود! حتی وایلدِر

نمیدانست که روزی RSI به یکی از برترین و محبوب‌ترین شاخص‌ها در دنیای بازار سهام

تبدیل خواهد شد. اگر او میدانست، کل کتاب را فقط به RSI اختصاص میداد.

RSI چیست؟

به زبان ساده، RSI یک نوسانگر مومنتوم است که در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ اندازه‌گیری میشود.

در این مقیاس از ۰ تا ۱۰۰، سطوح بالا و پایین در ۷۰ و ۳۰ علامت‌گذاری شده‌اند که به ترتیب

سطوح اشباع خرید و اشباع فروش را نشان میدهند.

دوره پیش‌فرض برای RSI در نمودار روزانه ۱۴ روز است. برای درک بهتر، نمودار فوق را بررسی

کنید:



خطوط و مناطق در پینل RSI

برای وضوح بیشتر، نمودار NHPC بالا را تحلیل میکنیم. در پینل بالایی، حرکت قیمت و در پینل پایینی، RSI را مشاهده خواهید کرد.

- ناحیه سایه‌دار بین ۳۰ تا ۷۰، محدوده نرمال RSI را نشان میدهد، جایی که نه در وضعیت اشباع خرید است و نه در وضعیت اشباع فروش.
 - RSI زیر ۳۰ به عنوان اشباع فروش و بالای ۷۰ به عنوان اشباع خرید در نظر گرفته میشود. یک خط مرکزی در سطح ۵۰ وجود دارد که دقیقاً مرکز مقیاس RSI (از ۰ تا ۱۰۰) و همچنین محدوده نرمال آن (از ۳۰ تا ۷۰) است.
 - حالا حرکات RSI را در پینل آن مشاهده خواهیم کرد. در این نمودار، خط RSI از بالای ۷۰ (سطح اشباع خرید) عبور میکند. سپس به ۳۰ (سطح اشباع فروش) سقوط میکند و از آن عبور میکند. سپس به سمت بالا حرکت میکند و خط مرکزی را که در سطح ۵۰ مشاهده میکنید، لمس میکند. و در نهایت خط مرکزی را میشکند.
- بله، به خاطر سپردن تمام این موارد ضروری است، زیرا هنگام بحث در مورد سیگنال‌ها، الگوها و استراتژی‌های RSI به کارتان خواهد آمد.



چرا RSI اختراع شد؟

جی. ولز وایلد یک مهندس مکانیک آمریکایی بود که به تحلیلگر تکنیکال تبدیل شد و بیشتر به خاطر کارهایش در زمینه تحلیل تکنیکال شناخته میشود.

وایلد پدر چندین شاخص تکنیکال است که اکنون به عنوان شاخص های اصلی در نرم‌افزارهای تحلیل تکنیکال در نظر گرفته میشوند.

این شاخص ها شامل میانگین محدوده واقعی (ATR) شاخص قدرت نسبی (RSI) شاخص جهت‌دار میانگین (ADX) و سار سهموی (Parabolic SAR) هستند.

وایلد یک معامله‌گر و تحلیلگر تکنیکال بود که در زمینه سهام و کالا معامله میکرد. او میخواست زمان بندی مناسب برای معاملات خود را پیدا کند: چه زمانی بخرد و چه زمانی بفروشد. او به دنبال شاخصی بود که بتواند سیگنال های خرید و فروش به اندازه کافی قابل اعتمادی برای یک سهام یا کالا ارائه دهد. و برای این کار، میخواست سطوح اشباع فروش و اشباع خرید یک سهام را تشخیص دهد.

بنابراین میبینید، زمان‌بندی بازار هدف اصلی اختراع RSI توسط وایلد بود.

وایلد برای دادن وزن بیشتر به حرکت اخیر قیمت، از میانگین متحرک نمایی (EMA) برای محاسبه RSI استفاده میکند. به همین دلیل است که RSI هموارتر و سازگارتر از سایر شاخص ها است و تمایل کمتری به حرکات ناگهانی دارد.

هنگام استفاده از RSI، هرگز فراموش نکنید که وظیفه اصلی آن این است که به ما بگوید چه زمانی باید سهام بخریم! و چه زمانی باید آن را بفروشیم! این هدف اصلی اختراع آن بود.

و وایلد قویاً معتقد بود که RSI پتانسیل پیش‌بینی دارد تا از قبل بگوید که یک سهام چه زمانی قوی یا ضعیف میشود.

RSI یک شاخص پیشرو است

وایلد در مورد RSI گفت: "آن (RSI) قدرت و ضعف فعلی یک بازار خاص را اغلب پیش از حرکت اندازه‌گیری میکند."

RSI، قدرت‌سنج یک سهم/شاخص است و به عنوان یک شاخص پیشرو در نظر گرفته میشود.

در بازار سهام دو نوع شاخص وجود دارد: شاخص‌های تاخیری و شاخص‌های پیشرو.

شاخص های تاخیری از قیمت پیروی میکنند (مانند میانگین های متحرک).

شاخص های پیشرو، قیمت ها را هدایت میکنند، یعنی قیمت از آنها پیروی میکند (مانند RSI)

به زبان ساده، این بدان معناست که قیمت معمولاً از یک شاخص پیشرو مانند RSI پیروی خواهد کرد، بنابراین حرکات RSI میتواند پیش بینی کند که قیمت قصد انجام چه کاری را دارد.

البته، مانند هر قانون دیگری، در اینجا نیز استثنائاتی وجود دارد، اما اجماع کلی بر این است که قیمت معمولاً از RSI پیروی میکند.

با نام کامل RSI (شاخص قدرت نسبی) اشتباه نگیرید. همیشه به یاد داشته باشید که RSI یک شاخص قدرت مطلق نیست.

در واقع، RSI قدرت یک سهام یا شاخص را نسبت به قدرت تاریخی همان سهام نشان میدهد.

این شاخص، قدرت هیچ سهامی را با قدرت سهام دیگر یا کل بازار سهام مقایسه نمیکند. برای این منظور، ابزار دیگری به نام «قدرت نسبی» وجود دارد که قدرت یک سهام را با سهام یا

شاخص دیگر مقایسه میکند. به دلیل نام های مشابه، به راحتی میتوان دچار اشتباه شد، اما سعی کنید به خاطر بسپارید که «قدرت نسبی» دو سهام/شاخص مختلف را مقایسه میکند، در

حالی که «شاخص قدرت نسبی» (RSI) قدرت های یک سهام/شاخص را در دوره های زمانی مختلف مقایسه میکند.

حالا به سراغ اسرار واقعی RSI خواهیم رفت.

راز یک غذای عالی در دستور پخت آن است، به همین ترتیب، راز RSI در روش محاسبه منحصر به فرد آن نهفته است.

روش محاسبه، روح RSI است، بنابراین ما مدتی را اینجا صرف خواهیم کرد. ما قیمت ها را دستکاری خواهیم کرد تا بررسی کنیم که RSI چگونه حرکت میکند و به روش خاص خود واکنش

نشان میدهد.

در فصل بعد، خواهید دانست که چرا واگرایی های RSI را میبینیم، چرا بالای ۷۰ اشباع خرید و زیر ۳۰ اشباع فروش در نظر گرفته میشود.

بنابراین بیا ببینیم به فصل بعد برویم که ما را به مبانی میبرد: روش محاسبه RSI، زیرا راز واقعی RSI در روش محاسبه آن نهفته است.

فصل ۳: راز واقعی RSI در روش محاسبه آن است

«روند دوست شماست، مگر اینکه در شرف پایان یافتن باشد.» - توماس دیمارک

- قیمت بسته شدن، سطح RSI را تعیین میکند
- معمای قیمت بسته شدن
- بیا بیا RSI را محاسبه کنیم
- RSI در مناطق افراطی، گرایش ضد روند دارد
- اندازه سود/زیان مهم است
- راز واگرایی در محاسبه است
- الزامات تکنیکال یک واگرایی صعودی
- الزامات تکنیکال یک واگرایی نزولی

RSI یک نوسانگر مومنتوم است که سرعت و بزرگی حرکات قیمت جهت‌دار را اندازه‌گیری میکند.

مومنتوم به معنای نرخ افزایش یا کاهش قیمت است.

قیمت بسته شدن، سطح RSI را تعیین میکند

RSI بر اساس قیمت بسته شدن یک میله یا کندل محاسبه میشود. اگر نمودار ۱ دقیقه‌ای باشد، RSI در پایان ۱ دقیقه محاسبه میشود و اگر نمودار ۱ روزه باشد، RSI در پایان قیمت بسته شدن بازار برای آن روز محاسبه میشود.

در پلتفرم‌های معاملات روزانه، میتوانید سطوح RSI را در طول بازارهای زنده نیز مشاهده کنید، اما آنها فقط آزمایشی هستند و در پایان روز تغییر میکنند. بنابراین اگر بر اساس نمودار روزانه معامله میکنید، بر اساس سطوح RSI در طول روز اقدام نکنید، زیرا RSI همیشه بر اساس قیمت بسته شدن یک سهام یا شاخص محاسبه میشود.

RSI به بالاترین یا پایین‌ترین قیمت‌های روزانه یا قیمت باز شدن اهمیتی نمیدهد (اگر به آنها علاقه‌مند هستید، همیشه میتوانید به نمودارهای کندل استیک نگاه کنید). قیمت بسته شدن مهم‌ترین قیمت است؛ اعتقاد بر این است که قیمت بسته شدن، رای‌نهایی معامله‌گران در آن روز است.

معمای قیمت بسته شدن

RSI بر اساس قیمت بسته شدن یک سهم محاسبه میشود. این امر یک مشکل منحصر به فرد برای معامله‌گرانی ایجاد میکند که بر اساس RSI معامله میکنند.

فرض کنید چنین معامله‌گری در طول ساعات بازار سیگنالی از RSI دریافت میکند. اما او نمیتواند تا زمان بسته شدن بازار اقدامی انجام دهد، زیرا فقط در آن زمان RSI یک سیگنال معتبر و تأیید شده در نمودار روزانه ارائه میدهد.

معامله‌گر ما ناامید است. در طول ساعات بازار، او میتواند در investing.com یا وب‌سایت دیگری ببیند که RSI از یک سطح مهم خاص عبور کرده است. اما او مطمئن نیست که آیا RSI این حرکت را تا بسته شدن بازار حفظ خواهد کرد یا خیر. و اگر امروز خرید نکند، ممکن است بازار فردا در قیمت باز شدن با گپ صعودی باز شود.

در چنین حالتی او باید چه کار کند؟ نگرانی او در مورد گپ صعودی بجاست؛ در نقاط عطف مهم، سهام یا شاخص از روش گپ صعودی برای عبور از یک مقاومت یا برای دادن پیامی در مورد تغییر روند استفاده می‌کنند.

در چنین حالتی، معامله‌گر ما باید به تماشای سطوح زنده RSI در investing.com (مقادیر روزانه) ادامه دهد و باید سهام را در ۵ دقیقه آخر بخرد تا مطمئن شود که سطح RSI به طور قابل توجهی تغییر نمیکند.

برای خرید بر اساس سیگنال درون روز RSI در نمودار روزانه عجله نکنید، زیرا نمیدانید که آیا RSI میتواند آن سطح را تا پایان حفظ کند یا خیر. به یاد داشته باشید، RSI فقط قیمت بسته شدن را تشخیص میدهد.

بیایید RSI را محاسبه کنیم

RSI نسبت سودها و زیان‌ها را برای یک دوره ۱۴ روزه نشان میدهد.

اگر سودها بیشتر باشند، RSI بالاتر خواهد بود (با هر سود، میانگین نزولی کاهش میابد، اگرچه ممکن است میانگین صعودی نیز کاهش یابد، اگر سودهای روزانه کمتر از میانگین صعودی باشند).

اگر زیان‌ها بیشتر باشند، RSI پایین‌تر خواهد بود.

مقدار سود یا زیان نیز مهم است. به عنوان مثال، اگر یک سهام ۱۰٪ بالاتر بسته شود، RSI آن بیشتر از سهامی افزایش میابد که فقط ۱٪ بالاتر بسته میشود.

و یک چیز دیگر، RSI به صورت نمایی محاسبه میشود، بنابراین سود یا زیان امروز وزن بیشتری در محاسبات دارد.

اگر میخواهید اسرار درونی RSI را درک کنید، بیایید و نحوه محاسبه آن را بررسی کنیم (برگه محاسبه مستقیماً از کتاب وایلدراست؛ من از قیمت‌های گرد برای ساده‌تر کردن آن استفاده کرده‌ام):

Scenario 1: RSI in Uptr						
1	2	3	4	5	6	7
Date	Close	Up	Down	Up Avg	Down Avg	5/6'
1	80					
2	100	20	0			
3	120	20	0			
4	140	20	0			
5	160	20	0			
6	180	20	0			
7	200	20	0			
8	220	20	0			
9	240	20	0			
10	260	20	0			
11	240	0	20			
12	260	20	0			
13	280	20	0			
14	300	20	0			
15	320	20	0	18.57143	1.428571	13
16	340	20	0	18.67347	1.326531	14.0769
17	360	20	0	18.76822	1.231778	15.2366
18	380	20	0	18.85621	1.143794	16.4856
19	400	20	0	18.93791	1.062095	17.8307
20	420	20	0	19.01377	0.986231	19.2792

در سناریو ۱، این سهم فقط یک روز نزولی و بقیه روزها صعود داشته است. بنابراین روند قطعاً صعودی است.

به افزایش سطوح RSI توجه کنید. هرچه بالاتر میرود، این افزایش کندتر و کندتر میشود.

این وضعیت در پنل RSI شبیه به «تخت شدن منحنی» به نظر میرسد. ببینید، در مقیاس قیمت ۱۰۰۰۰، پیشرفت RSI در ناحیه بدون محدوده آن تندتر از مناطق خواهد بود.

این تخت شدن منحنی بیشتر در منطقه اشباع خرید/فروش RSI دیده میشود. در مورد یک روند صعودی، این تخت شدن به این دلیل اتفاق میافتد که قیمت ها در حال افزایش هستند،

اما نه به شدت یا بیشتر از میانگین صعودی RSI. این تخت شدن RSI نشان میدهد که مومنتوم در حال افزایش نیست یا نرخ تغییر قیمت مثبت کاهش یافته است.

تخت شدن منحنی لزوماً به این معنی نیست که قیمت بلافاصله معکوس خواهد شد، اما اغلب به این معنی است که RSI در حال معکوس شدن است؛ باید این اتفاق بیفتد زیرا مومنتوم

در حال کاهش است.

ببینید، نرخ تغییر قیمت مثبت باید به طور مداوم افزایش یابد. اگر متوقف شود، منجر به تخت شدن منحنی RSI خواهد شد.

در سناریو میتوانید مشاهده کنید که از روز ۱۶ تا روز ۲۰، سودهای ثابت ۲۰ رویه‌ای سطوح RSI را به ترتیب به ۰.۵۱، ۰.۴۸، ۰.۴۴، ۰.۴، ۰.۳۸ افزایش داده است. مومنتوم RSI قطعاً در حال

کند شدن است. و این به این دلیل است که نرخ تغییر قیمت مثبت به طور مداوم افزایش نمیابد.

علاوه بر این، RSI همیشه بالای ۷۰ یا زیر ۳۰ برای قیمت‌های دارای روند کند میشود. اگر قیمت به آرامی افزایش یابد، RSI به سختی ممکن است از ۸۰ عبور کند. دلیل چیست؟

دلیل این است که اگر قیمت به آرامی افزایش یابد، میانگین صعودی آن کاهش میابد.

هرچه RSI بالاتر میرود، برای افزایش بیشتر به سودهای بیشتری نیاز دارد. این یک نوسانگر مومنتوم است، بنابراین برای افزایش آن، مومنتوم باید به طور مداوم افزایش یابد. اگر مومنتوم

کند شود (که توسط میانگین صعودی نشان داده میشود)، RSI نیز کند خواهد شد.

RSI در مناطق افراطی، گرایش ضد روند دارد

RSI معمولاً واکنش بسیار شدیدی به قیمت‌های ضد روند در اطراف مناطق اشباع خرید یا فروش نشان میدهد.

اما اگر مبتدی هستید، باید بدانید "رند چیست؟"

روندها را میتوان به طور کلی به دو نوع اصلی تقسیم کرد: اولیه و ثانویه (روندهای جزئی را که در رند ثانویه قرار میگیرند، حساب نمیکنیم؛ امواج الیوت چیزی جز روندها در درون روندها در فواصل منظم نیستند).

رند اولیه با کمک یک خط روند یا یک میانگین متحرک تعریف میشود. اجماع کلی بر این است که اگر قیمت یک سهام یا شاخص بالاتر از میانگین متحرک ۲۰۰ روزه خود (DMA ۲۰۰) باشد، رند اولیه صعودی است. اگر قیمت یک سهام یا شاخص زیر میانگین متحرک ۲۰۰ روزه خود باشد، رند اولیه نزولی است. تصویر زیر را ببینید:



بسیار مهم است که بدانیم RSI چگونه به تغییرات قیمت در جهت روند اولیه واکنش نشان میدهد و چگونه به تغییرات قیمت در خلاف جهت روند اولیه واکنش نشان میدهد (برای سادگی، ما آن را ضد روند مینامیم).

بسیار خوب، برای بررسی این موضوع، اکنون تغییر جزئی در سناریو ۱ قبلی ایجاد میکنیم و واکنش RSI را به حرکت قیمت ضد روند مشاهده خواهیم کرد.

بله، جدول همان جدول قبلی است. در اینجا ما فقط قیمت روز ۲۰ را تغییر داده‌ایم و به جای سود ۲۰ روپیه‌ای، زیان ۲۰ روپیه‌ای قرار داده‌ایم.

بیایید ببینیم RSI در این سناریو ۲ چه نوع واکنشی نشان میدهد؟ لطفاً حرکت RSI در روز ۲۰ سناریو ۲ را با سناریو ۱ مقایسه کنید.

Scenario 2: Anti-trend 1						
1	2	3	4	5	6	7
Date	Close	Up	Down	Up Avg	Down Avg	5/6'
1	80					
2	100	20	0			
3	120	20	0			
4	140	20	0			
5	160	20	0			
6	180	20	0			
7	200	20	0			
8	220	20	0			
9	240	20	0			
10	260	20	0			
11	240	0	20			
12	260	20	0			
13	280	20	0			
14	300	20	0			
15	320	20	0	18.57143	1.428571	13
16	340	20	0	18.67347	1.326531	14.0769
17	360	20	0	18.76822	1.231778	15.2366
18	380	20	0	18.85621	1.143794	16.4856
19	400	20	0	18.93791	1.062095	17.8307
20	380	0	20	17.5852	2.414802	7.28225

دقیقاً! همانطور که اشاره کردید، در روز ۲۰، قیمت در خلاف جهت روند اولیه (صعودی) حرکت کرده است. روند کلی صعودی است، اما قیمت بسته شدن در این روز نزولی بوده است. توجه کنید که در روز ۱۹، با یک افزایش قیمت ۲۰ رپیه‌ای در جهت روند، RSI تنها ۰.۴ واحد افزایش یافت و به ۹۴.۶۸ رسید. اما در روز ۲۰، با یک کاهش قیمت ۲۰ رپیه‌ای در خلاف جهت روند، RSI به طور ناگهانی ۷ واحد کاهش یافت و به ۸۷.۹۲ رسید.

با اینکه میزان تغییر قیمت در هر دو روز یکسان بود (۲۰ رپیه)، واکنش RSI بسیار متفاوت بود. این به وضوح نشان میدهد که RSI به حرکات قیمت در خلاف جهت روند، به ویژه در سطوح بالا یا پایین، حساسیت بیشتری نشان میدهد. این ویژگی RSI، آن را به ابزاری مفید برای شناسایی واگرایی‌ها و هشدارهای احتمالی تغییر روند تبدیل میکند. چرا اینطور است؟ منطق خاصی پشت این قضیه وجود دارد.

به ستون ۶ «میانگین نزولی» توجه کنید، جایی که در روز ۲۰، میانگین نزولی بیش از دو برابر شد و به ۲.۴۱ جهش کرد. بنابراین هر زمان که به یک نمودار نگاه میکنید، همیشه به یاد داشته باشید که RSI در قیمت‌های دارای روند، حرکات کند و در قیمت‌های ضد روند، به خصوص در مناطق اشباع خرید و فروش، حرکات سریعی نشان میدهد. و دلیل آن، تعامل بین «میانگین صعودی» و «میانگین نزولی» است.

اگر یک سهم به طور مداوم در حال افزایش باشد، یک افت کوچک باعث حرکت نامتناسب و بزرگتر RSI به سمت پایین میشود.

به همین ترتیب، اگر یک سهم به طور مداوم در حال کاهش باشد، یک افزایش کوچک باعث حرکت نامتناسب و بزرگتر RSI به سمت بالا میشود.

این دلیل واقعی واگرایی‌های قیمت/RSI است که بعداً به بررسی آن خواهیم پرداخت.

آیا میخواهید آزمایش بیشتری انجام دهید؟

اندازه سود/زیان مهم است

حالا فرض کنید، ما زیان روز ۲۰ را از ۲۰ به ۸۰ افزایش دهیم، در این سناریو ۳ چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ما فقط ارقام روز ۲۰ را تغییر داده‌ایم، بنابراین میتوانید از نگاه کردن به بقیه جدول صرف نظر کنید.

Scenario 3: Size of gain/loss is 1						
1	2	3	4	5	6	7
Date	Close	Up	Down	Up Avg	Down Avg	5/6'
1	80					
2	100	20	0			
3	120	20	0			
4	140	20	0			
5	160	20	0			
6	180	20	0			
7	200	20	0			
8	220	20	0			
9	240	20	0			
10	260	20	0			
11	240	0	20			
12	260	20	0			
13	280	20	0			
14	300	20	0			
15	320	20	0	18.57143	1.428571	13
16	340	20	0	18.67347	1.326531	14.0769
17	360	20	0	18.76822	1.231778	15.2366
18	380	20	0	18.85621	1.143794	16.4856
19	400	20	0	18.93791	1.062095	17.8307
20	320	0	80	17.5852	6.700516	2.62445

بله، جهش در میانگین نزولی را ببینید (شش برابر جهش میکند) و تغییر بزرگ متناظر در سطوح RSI را مشاهده کنید. RSI کمتر از ۲۲ واحد سقوط نمیکند؛ باور میکنید؟ این اتفاق به این دلیل افتاد که مومنتوم ضد روند به شدت قوی‌تر شد. و RSI یک نوسانگر مومنتوم است.

بنابراین به یاد داشته باشید، کمیت یا اندازه سقوط مهم است. و همچنین مهم است که آیا قیمت در جهت روند حرکت میکند یا در خلاف جهت آن.

و فراموش نکنید که ارقام روز ۱۵ و روز ۲۰ را بررسی کنید. قیمت در هر دو روز یکسان است، یعنی ۳۲۰، اما تفاوت در سطوح RSI را ببینید!

واقعیت جالب

آیا یک سهم میتواند به سطح ۱۰۰ RSI برسد؟ بله، اگر از زمان عرضه اولیه به طور مداوم در صف خرید باشد، زیرا میانگین نزولی آن ۰ خواهد بود. به عنوان مثال، RSI سهم روچی سويا از فوریه ۲۰۲۰ سطح ۱۰۰ را نشان میدهد، زیرا پس از عرضه مجدد آن، حتی یک روز نزولی هم وجود نداشته است، بنابراین میانگین نزولی ۰ است.

قیمت روچی سويا در حدود ۳۵ روپیه در فوریه ۲۰۲۰ بود، اما به دلیل صف های خرید مداوم، تا ۶ مه ۲۰۲۰ به سطح ۴۸۰ رسید و دکمه صف خرید همچنان فعال است.

راز واگرایی در محاسبه است

مگر اینکه سلیقه وارن بافت یا چارلی مانگر را داشته باشید، صفحات گسترده ممکن است برای شما خسته‌کننده به نظر برسند، بنابراین مرا ببخشید اما میخواهم فقط یک صفحه گسترده دیگر را نشان دهم، که نشان میدهد چگونه یک واگرایی بین RSI و قیمت رخ میدهد.

به زبان ساده، واگرایی به این معنی است که قیمت و RSI در جهت‌های مخالف حرکت میکنند؛ یا قیمت در حال افزایش است و RSI در حال کاهش است (در اطراف سطوح اشباع خرید) یا قیمت در حال کاهش است و RSI در حال افزایش است (در اطراف سطوح اشباع فروش).

از نظر فنی، الزامات بیشتری وجود دارد (برای سردرگمی کمتر، من یک سناریوی روند صعودی را ارائه میدهم؛ میتوانید آن را برای سناریوی روند نزولی اعمال کنید).

الزامات تکنیکال یک واگرایی صعودی

۱. قیمت یک اوج جدید اخیر P_1 میسازد (نه بالاترین قیمت تاریخ، بلکه بالاترین قله در نمودار اخیر). RSI نیز یک اوج جدید R_1 میسازد.
 ۲. قیمت حداقل یک یا چند کندل قرمز در جهت مخالف P_2 میدهد (یعنی کندل نزولی در یک روند صعودی).
 ۳. قیمت یک اوج جدید دیگر P_3 ، بالاتر از اوج اخیر خود میسازد.
 ۴. RSI نمیتواند به سطح اوج قبلی خود R_1 برسد یا از آن عبور کند.
- این خلاصه واگرایی صعودی RSI است.

الزامات تکنیکال یک واگرایی نزولی

۱. قیمت یک کف جدید اخیر P_1 میسازد (نه پایین‌ترین قیمت تاریخ، بلکه پایین‌ترین دره در نمودار اخیر). RSI نیز یک کف جدید R_1 میسازد.
 ۲. قیمت حداقل یک یا چند کندل سبز در جهت مخالف P_2 میدهد (یعنی کندل صعودی در یک روند نزولی).
 ۳. قیمت یک کف جدید دیگر P_3 ، پایین‌تر از کف اخیر خود میسازد.
 ۴. RSI نمیتواند به سطح کف قبلی خود R_1 برسد یا از آن عبور کند.
- بسیار خب، حالا خودتان در صفحه گسترده ببینید که چگونه یک واگرایی قیمت/RSI شکل میگیرد.

Scenario 4: Why Price/RSI Divergence ha						
1	2	3	4	5	6	7
Date	Close	Up	Down	Up Avg	Down Avg	5/6'
1	80					
2	100	20	0			
3	120	20	0			
4	140	20	0			
5	160	20	0			
6	180	20	0			
7	200	20	0			
8	220	20	0			
9	240	20	0			
10	260	20	0			
11	240	0	20			
12	260	20	0			
13	280	20	0			
14	300	20	0			
15	320	20	0	18.57143	1.428571	13
16	340	20	0	18.67347	1.326531	14.0769
17	320	0	20	17.33965	2.66035	6.51780
18	350	30	0	18.24396	2.470325	7.38524
19	320	0	30	16.94082	4.43673	3.81831
20	360	40	0	18.58791	4.119821	4.51182

بله، در صفحه گسترده «سناریو ۴» که اشاره کردید، به وضوح دیده میشود که سهم در یک روند صعودی آشکار قرار دارد و قیمت در بیشتر روزها در حال افزایش است. جای تعجب نیست که RSI آن در روز پانزدهم بالای ۹۰ است.

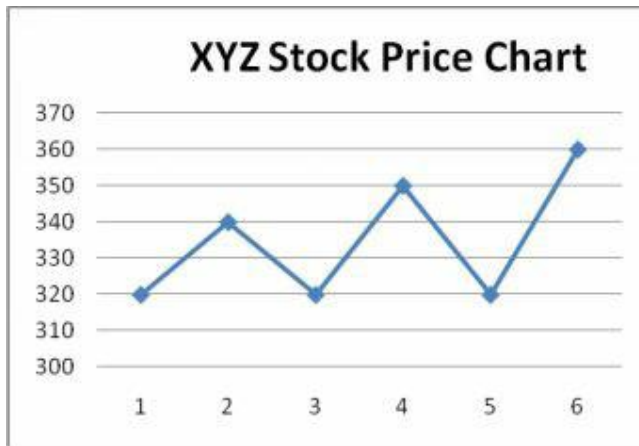
در روز شانزدهم، سهم ۲۰ روپیه افزایش میابد و به اوج جدید ۳۴۰ میرسد. سطح RSI (۹۳.۳۶) را بررسی کنید، زیرا هنگام بحث در مورد واگرایی RSI مفید خواهد بود. از آنجایی که سهم در یک روند صعودی قرار دارد، تأثیر زیادی بر میانگین صعودی وجود ندارد، بنابراین RSI تنها یک افزایش متوسط ۰.۵۱ واحدی نشان میدهد.

در روز هفدهم، قیمت ۲۰ روپیه کاهش میابد (همان اختلاف قیمتی که در روز شانزدهم وجود داشت)، اما از آنجایی که این حرکت در خلاف جهت روند غالب است، تأثیر قابل توجهی بر میانگین نزولی میگذارد، به همین دلیل RSI به طور کامل ۷ واحد کاهش میابد. به ستون ۶ «میانگین نزولی» نگاه کنید. در روز شانزدهم، تنها ۱.۳۲ بود، اما در روز هفدهم دو برابر شد. جای تعجب نیست که RSI چنین واکنش شدیدی نشان داد!

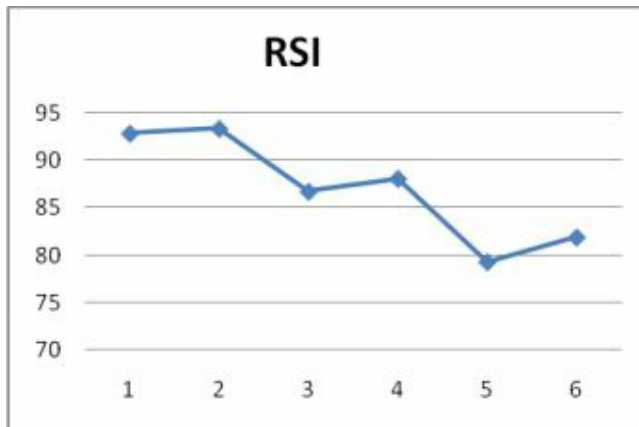
در روز هجدهم، قیمت ۳۰ روپیه افزایش میابد و سهم به اوج جدید ۳۵۰ میرسد. سطوح RSI (۸۸.۰۷) را بررسی کنید؛ این مقدار کمتر از سطح RSI در روز شانزدهم است. قیمت یک اوج جدید ساخته است، اما RSI اوج جدیدی نساخته و مقدار کمتری را نشان میدهد. این واگرایی شماره ۱ است. به هر حال، واگرایی های قیمت/RSI به دلیل واکنش های نامتناسب RSI به حرکات ضد روند رخ میدهند.

در روز نوزدهم، قیمت ۳۰ روپیه کاهش میابد و ببینید! ستون ۶ «میانگین نزولی» به طور قابل توجهی افزایش میابد و از این رو RSI با کاهش چشمگیر ۹ واحدی واکنش نشان میدهد. در روز بیستم، قیمت ۴۰ روپیه افزایش میابد و سهم به اوج جدید ۳۶۰ میرسد. با این حال، سطوح RSI را در ستون آخر بررسی کنید (۸۱.۸۵ است). در اینجا سهم یک اوج جدید ساخته است، اما RSI اوج جدیدی نساخته است، بنابراین در اینجا واگرایی شماره ۲ را داریم.

این مثال به خوبی نشان میدهد که چگونه حرکات قیمت در خلاف جهت روند، به ویژه در مناطق بالا، میتوانند منجر به واگرایی بین قیمت و RSI شوند. قیمت به صعود خود ادامه میدهد و اوج های جدیدی میسازد، در حالی که RSI به دلیل افزایش میانگین نزولی در واکنش به اصلاحات قیمت، نمیتواند اوج های جدیدی را ثبت کند و در واقع کاهش میابد. این اختلاف بین جهت حرکت قیمت و RSI، همان چیزی است که ما آن را واگرایی مینامیم و میتواند هشدار برای ضعف احتمالی در روند صعودی باشد.



بله، کاملاً درست است. یک تصویر واقعاً گویاتر از هزاران کلمه است. من هم اینجا دو نمودار مربوط به سناریو ۴: واگرایی RSI را ارائه میدهم. این نمودارها کل داستان را در یک نگاه به شما خواهند گفت.



بله، حالا به سه اوج جدید در جدول زیر توجه کنید تا مفهوم واگرایی را واضح تر درک کنید (و به یاد داشته باشید که طبق الزامات تکنیکال، یک کندل نزولی بین این اوج‌های جدید وجود دارد).

Divergence	Day	Price makes a new high	RSI doesn't make a new high
NIL, as there are no	Day		
previous RSI readings to compare	16	340	93.37
1	Day 18	350	88.07
2	Day 20	360	81.85

آیا می‌فهمید در این سناریوی واگرایی قیمت/RSI چه اتفاقی می‌افتد؟

- قیمت در حال ساختن سقف‌های بالاتر است، در حالی که RSI در حال ساختن سقف‌های پایین‌تر است.
- یک واگرایی قیمت/RSI به این معنی است که روند اصلی در حال ضعیف شدن و روند فرعی در حال قوی‌تر شدن است.
- این به آن معناست که مومنتوم در حال کند شدن است.
- این به آن معناست که خریداران (گاوها) قدرت خود را از دست می‌دهند و فروشندگان (خرس‌ها) در حال قوی‌تر شدن هستند.

معامله‌گران عزیز، جادویی در RSI وجود دارد. RSI اسرار را فاش میکند، آیا گوش میدهید؟

به همین دلیل است که گفته میشود واگرایی‌ها، معکوس شدن روند را خیلی زود پیش‌بینی میکنند.

به یاد داشته باشید، یک واگرایی تضمین کننده معکوس شدن روند نیست؛ بلکه صرفاً احتمال معکوس شدن روند را نشان میدهد. یا همانطور که کاردول و پیروانش اشاره میکنند، احتمال یک اصلاح قیمت. چه معکوس شدن باشد چه اصلاح، فقط به این معنی است که جهت قیمت ممکن است به زودی تغییر کند.

نکته مهم: RSI یک شاخص دارای سوگیری ریاضی است و سوگیری آن در نزدیکی سطوح اشباع خرید و فروش، ضد روند است. زمانی که بین مقادیر ۴۰ و ۶۰ نوسان میکند، بیشترین بی‌طرفی را دارد.

سطوح واگرایی‌های RSI به شرح زیر است:

RSI Bearish Divergence	60-80 levels
RSI Bullish Divergence	20-40 levels

نکته مهم:

اگر میخواهید حرکات قیمت و RSI را با دقت بیشتری مقایسه کنید، به نمودار شمعی نگاه نکنید، بلکه به نمودار خطی سهام توجه کنید.

در یک نمودار خطی، مقایسه شیب و زوایای هر دو خط آسان‌تر خواهد بود.

وقتی یک خط (قیمت) را با خط دیگری (RSI) مقایسه میکنید، مثل این است که پرتقال را با پرتقال مقایسه کرده‌اید.

وقتی نمودارهای شمعی را با خط RSI مقایسه میکنید، مثل این است که خیار را با پرتقال مقایسه کرده‌اید.

توجه: نمودارهای شمعی اهمیت خاص خود را دارند، اما برای مقایسه RSI، بهتر است نمودارهای خطی را نیز بررسی کنید.

شبهه این:



اگر خط قیمت و خط RSI را در نمودار بالا مشاهده کنید، در یک نگاه متوجه واگرایی صعودی در پایین خواهید شد. RSI قبل از قیمت به اوج رسیده و سیگنال تغییر روند را داده است. پس از درک روش معمول محاسبه RSI، که سیگنال واگرایی را روشن میکند، به فصل بعد میرویم، جایی که به طور خلاصه به دیگر سیگنال های مهم ارائه شده توسط RSI خواهیم پرداخت.

فصل ۴: ۱۰ سیگنال برتر RSI

"چه یک معامله‌گر باتجربه باشید، چه یک معامله‌گر کاملاً جدید، یادگیری مفاهیم کلیدی RSI، شاخص قدرت نسبی، شاید مهم‌ترین کاری باشد که می‌توانید برای پیشرفت در حرفه معامله‌گری خود انجام دهید." - پل دین

۱. سقف‌ها و کف‌ها
۲. نوسانات ناموفق
۳. حمایت و مقاومت
۴. تقاطع خط میانی
۵. تغییر دامنه (سیگنال تغییر روند)
۶. کانال‌ها و خطوط روند
۷. الگوهای نموداری مانند مثلث‌ها، سر و شانه‌ها، سر و شانه‌های معکوس و غیره.
۸. تقاطع میانگین ۹ روزه RSI
۹. واگرایی‌ها: صعودی و نزولی
۱۰. بازگشت‌ها: مثبت و منفی

در این فصل، سیگنال‌های RSI را که میتوان برای اهداف معاملاتی از آنها استفاده کرد، مورد بحث قرار خواهیم داد:

۱. سقف‌ها و کف‌ها
۲. نوسانات ناموفق
۳. حمایت و مقاومت
۴. تقاطع خط میانی
۵. تغییر دامنه (سیگنال تغییر روند)
۶. کانال‌ها و خطوط روند
۷. الگوهای نموداری مانند مثلث‌ها، سر و شانه‌ها، سر و شانه‌های معکوس و غیره.
۸. تقاطع میانگین ۹ روزه RSI
۹. واگرایی‌ها: صعودی و نزولی
۱۰. بازگشت‌ها: مثبت و منفی

اکنون اجازه دهید به طور خلاصه با کمک نمودارها به بررسی آنها بپردازیم.

۱. سقف‌ها و کف‌ها (سقف در ۷۰ و کف در ۳۰)

به گفته وایلدِر، زمانی که RSI به بالای ۷۰ یا زیر ۳۰ میرود، سقف و کف نشان داده میشود. این استراتژی معاملاتی وانیلی نامیده میشود که در فصل ۹ مورد بحث قرار گرفته است.

به گفته وایلدِر، "معمولاً شاخص قبل از سقف یا کف واقعی بازار به اوج یا پایین‌ترین حد خود میرسد و نشان میدهد که یک بازگشت یا حداقل یک واکنش قابل توجه قریب الوقوع است."

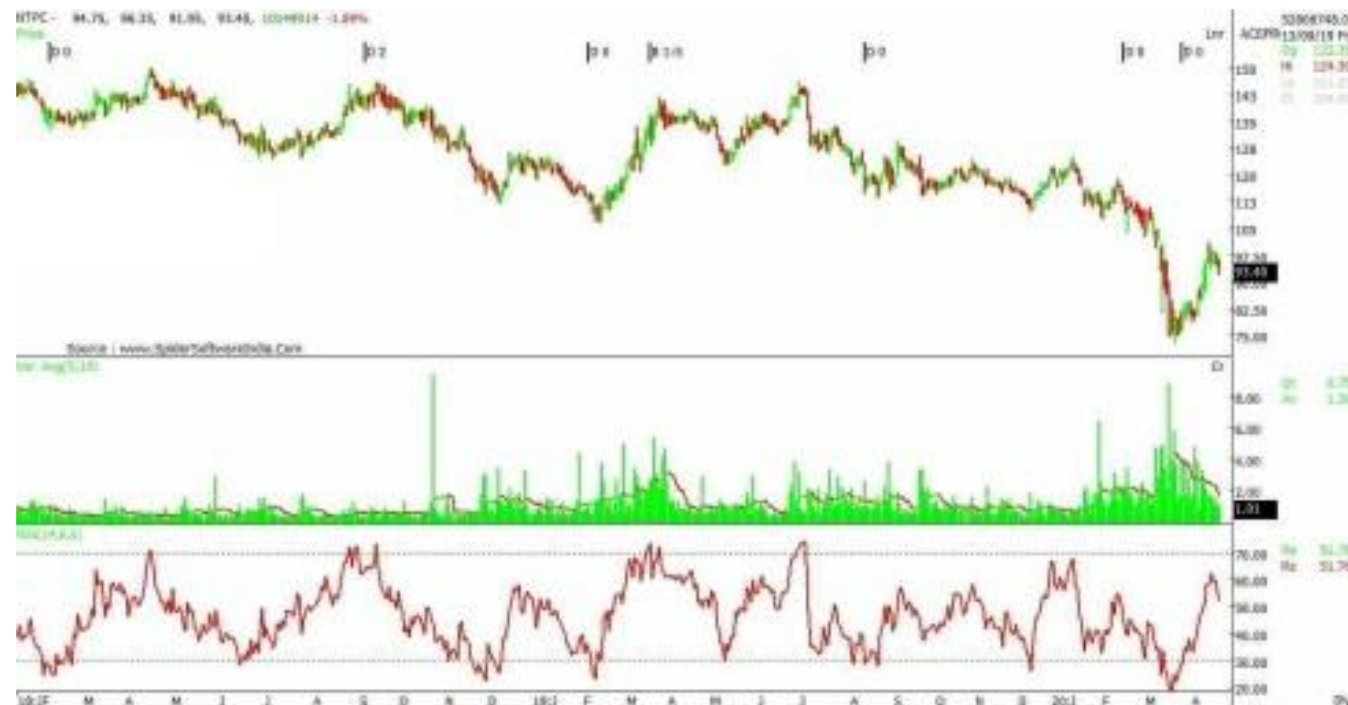
RSI نشان دهنده شرایط اشباع خرید و اشباع فروش است، بنابراین ساده‌ترین کار در جهان این خواهد بود که سهامی را بخرید که RSI آن از سطح ۳۰ برمیگردد و آن را بفروشید که RSI

آن از سطح ۷۰ برمیگردد. ساده مثل ساعت!

با این حال، به این سادگی نیست. RSI همیشه مستقیماً به خط مقابل نمیرود، بلکه گاهی اوقات در بین راه برمیگردد تا دوباره همان خط را لمس کند.

همانطور که در نمودار زیر مشاهده میکنید، قیمت در روند نزولی قرار دارد.

به RSI در پل پایین توجه کنید. این شاخص به طور منظم بین منطقه اشباع فروش (۳۰) و منطقه اشباع خرید (۷۰) در نوسان است، اگرچه گاهی اوقات در بین راه تغییر جهت میدهد. در اینجا، خط نقطه‌چین در بالای پل RSI سطح ۷۰ و خط نقطه‌چین در پایین پل سطح ۳۰ را نشان میدهد.



۲. نوسانات ناموفق

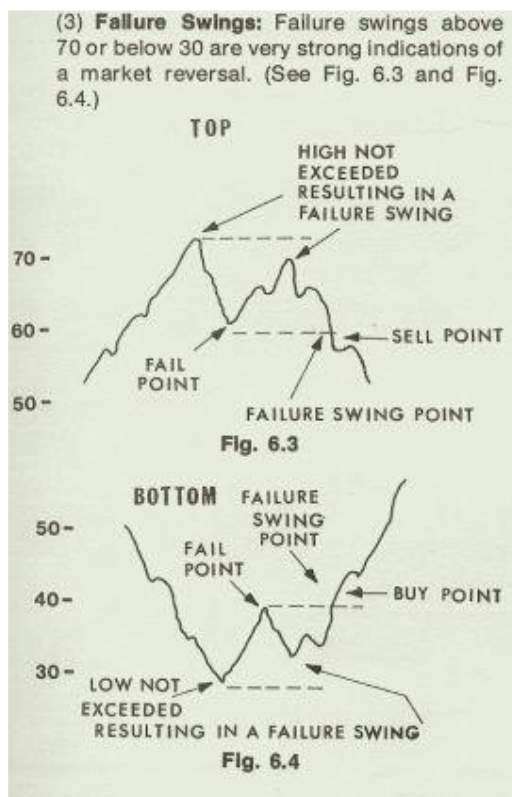
زمانی که RSI در سطوح اشباع خرید یا اشباع فروش از اوج قبلی خود فراتر نمی‌رود، به آن نوسان ناموفق گفته می‌شود. در اینجا RSI یک الگوی M کج (سطح اشباع خرید) یا W کج (سطح اشباع فروش) ایجاد میکند. به عبارت فنی، نوعی سقف دوقلو یا کف دوقلو تشکیل می‌دهد.

نوسان ناموفق شباهت زیادی به واگرایی دارد.

وایلدنر اشاره کرده است که هر زمان RSI در سقف یک نوسان ناموفق نشان دهد و به زیر دره قبلی خود سقوط کند، میتوان سهام را فروخت یا به اصطلاح، فروش استقرایی انجام داد.

به همین ترتیب، هر زمان RSI در کف یک نوسان ناموفق نشان دهد و به بالای قله قبلی خود صعود کند، میتوان سهام را خریداری کرد.

وایلدنر قوانینی را در مورد معامله با نوسانات ناموفق در کتاب خود آورده است، همانطور که در تصویر دیده میشود.



سیگنال نوسان ناموفق زمانی تأیید میشود که RSI در الگوی M به زیر دره سقوط کند یا در الگوی W بالاتر از اوج قبلی خود صعود کند.

نوسان ناموفق زمانی مهم‌تر تلقی میشود که در داخل مناطق اشباع فروش یا اشباع خرید رخ دهد.

توجه: با این حال، عقل سلیم به ما میگوید که نوسانات ناموفق اغلب خارج از مناطق اشباع فروش/اشباع خرید اتفاق میافتند. معمولاً اولین اوج/دره در داخل منطقه اشباع فروش/اشباع خرید قرار دارد و دومین اوج یا دره در خارج از این منطقه تشکیل میشود. (همانطور که قبلاً گفتم، این شبیه به واگرایی است و نوسان ناموفق روش معامله با واگرایی RSI است. چندین متخصص از جمله کاردول و هایدن و چندین نفر دیگر ادعا کرده‌اند که واگرایی‌های RSI قابل معامله نیستند. آنها نتوانستند ببینند که واگرایی‌ها قابل معامله هستند و نوسان ناموفق راه معامله با آنهاست.)

نوسانات ناموفق در واقع بخشی از واگرایی هستند و وایلدِر از نوسان ناموفق برای تأیید واگرایی استفاده میکند. اگر RSI از منطقه اشباع خرید/فروش عقب‌نشینی کند اما به زودی بازگردد و از اوج/کف قبلی فراتر رود، واگرایی‌ها ممکن است با شکست مواجه شوند. در واقع، وایلدِر میگوید اگر نوسان ناموفق به این روش تأیید شود، خطر بازگشت RSI کمتر است و انتظار می‌رود که به منطقه مقابل خود برسد.

همانطور که جان هایدن اشاره میکند، "نوسان ناموفق زمانی رخ میدهد که واگرایی نزولی یا صعودی وجود داشته باشد... اعتقاد بر این است که نوسان ناموفق 'تأیید' میکند که بازگشت بازار معتبر است."

۳. حمایت و مقاومت

نواحی حمایت و مقاومت اغلب قبل از اینکه در پینل قیمت ظاهر شوند، در RSI نمایان میشوند. با رسم خطوط روند و کانال‌ها بر روی خط RSI، میتوانیم نواحی حمایت و مقاومت را در نمودار قیمت تشخیص دهیم.

- برای رسم خط روند مقاومت، خطی را به اوج های اخیر RSI وصل کنید.
- برای رسم خط روند حمایت، خطی را به کف های اخیر RSI وصل کنید.

در نمودار زیر، خط مقاومت RSI به وضوح سطحی را مشخص کرده است که قیمت در آن از افزایش باز میایستد و تغییر جهت میدهد.

نکته: بسیار عجیب است که خط روند یک اندیکاتور بتواند نواحی حمایت و مقاومت را ترسیم کند. ببینید، بیشتر معامله‌گران خطوط روند را در پینل RSI رسم نمیکنند. علاوه بر این، خطوط روند بسیار ذهنی هستند و اصلاً مانند سطوح افقی قیمت عینی نیستند. بنابراین بسیار شگفت‌انگیز است که چرا و چگونه یک خط حمایت یا مقاومت در RSI میتواند حرکات قیمت آتی یک سهام را پیش‌بینی کند. واقعاً باورنکردنی است!



۴. تقاطع خط میانی (Centreline Crossover)

اگر خط RSI از پایین به سمت بالا خط میانی (سطح ۵۰) را قطع کند، به این معنی است که اکنون میانگین سودها از میانگین ضررها بیشتر است. این وضعیت نشان‌دهنده تغییر در حرکت صعودی است و به همین دلیل یک سیگنال خرید خوب تلقی میشود.

از طرف دیگر، اگر خط RSI از بالا به سمت پایین خط میانی را قطع کند، به این معنی است که میانگین ضررها از میانگین سودها بیشتر است. این وضعیت نشان‌دهنده تغییر در حرکت نزولی است و به همین دلیل یک سیگنال فروش خوب تلقی میشود.

خط RSI در سطح ۵۰ خود به عنوان یک حمایت و مقاومت در نظر گرفته میشود.

وقتی RSI به بالای ۵۰ صعود میکند، به عنوان تأییدیه صعودی تلقی میشود؛ وقتی به زیر ۵۰ سقوط میکند، به عنوان تأییدیه نزولی دیده میشود.

سطح ۵۰ به عنوان منطقه میانی RSI در نظر گرفته میشود، زیرا دقیقاً در وسط محدوده ۰-۱۰۰ و همچنین محدوده ۳۰-۷۰ قرار دارد. با این حال، در مورد تغییرات دامنه کاردول، همانطور که در نکته بعدی خواهید دید، سطح ۵۰ دیگر میانه دقیق نیست.

در بازار صعودی، خط میانی (۵۰) فرصت‌های خرید متعدد با ریسک پایین را فراهم میکند، زیرا RSI بیشتر وقت خود را در محدوده ۵۰-۷۰ سپری میکند.

در بازار نزولی، خط میانی (۵۰) فرصت‌های فروش استقراری متعدد را فراهم میکند، زیرا RSI بیشتر وقت خود را در محدوده ۵۰-۳۰ سپری میکند.

۵. تغییر دامنه (Range Shift) - سیگنال تغییر روند

دامنه نرمال RSI از نظر وایلد ۳۰-۷۰ بود؛ زمانی که RSI زیر ۳۰ بود، اشباع فروش در نظر گرفته میشد؛ زمانی که RSI بالای ۷۰ بود، اشباع خرید در نظر گرفته میشد.

با این حال، اندرو کاردول با اعلام اینکه این دامنه ۳۰-۷۰ جهانی نیست، نظریه اصلی را اصلاح کرد.

کاردول متوجه شد که در روندهای صعودی، RSI معمولاً سطوح ۴۰-۸۰ را حفظ میکند، در حالیکه در روندهای نزولی سطوح ۲۰-۶۰ را حفظ میکند. کاردول مشاهده کرد که وقتی اوراق بهادار از روند صعودی به روند نزولی و بالعکس تغییر میکنند، RSI دچار "تغییر دامنه" میشود.

- دامنه نرمال: ۳۰-۷۰

- دامنه صعودی: ۴۰-۸۰

- دامنه نزولی: ۲۰-۶۰

این ایده از نظر روانشناسی قابل توجیه است.

تغییر دامنه به دلیل ترس و طمع رخ میدهد.

در بازار صعودی، وقتی یک سهم اصلاح میکند، سرمایه‌گذارانی که از قافله جا مانده‌اند طمع میکنند و برای خرید زودهنگام سهم و بالا بردن آن عجله میکنند، بنابراین RSI به دامنه نرمال ۳۰ سقوط نمیکند.

و در یک بازار صعودی، وقتی یک سهم به سطوح اشباع خرید ۷۰ میرسد، هیچکس عجله‌ای برای سود گرفتن ندارد، زیرا سهم هر روز در حال افزایش است. وقتی فروش جدی وجود ندارد، RSI به لمس سطوح ۸۰ ادامه میدهد، زیرا میانگین صعودی آن به طور مداوم در حال افزایش است و میانگین نزولی آن به طور مداوم در حال کاهش است (به برگه محاسبات ما مراجعه کنید).

همانطور که اندرو کاردول میگوید: "بنابراین RSI برای من یک اندیکاتور ایده‌آل است زیرا نه تنها قیمت و مومنتوم را در بر میگیرد، بلکه میتواند به عنوان ابزاری برای سنجش احساسات نیز مورد استفاده قرار گیرد تا ببینیم چه زمانی بیشتر مردم صعودی هستند، هیجان‌زده میشوند و انتظار دارند از سطح ۷۰ عبور کند. وقتی اصلاح میکند، تا سطح ۳۰ پایین نمی‌آید. نزدیک به ۴۰ میرسد و کسانی که در ابتدا از قطار جا مانده‌اند، تمایل بیشتری به سوار شدن دارند زیرا تا آن زمان روند به اندازه کافی تثبیت شده است."

در بازار نزولی، مردم از خرید بیشتر میترسند، بنابراین سهام را در سطوح ۳۰ نمی‌خرند؛ عجله‌ای نیست، زیرا سهام هر روز در حال سقوط است. میبینید، در اینجا میانگین نزولی هر روز افزایش میابد و میانگین صعودی کاهش میابد، بنابراین RSI به راحتی به زیر ۳۰ میرود.

در یک بازار نزولی، وقتی RSI افزایش میابد و به نزدیک سطح ۶۰ میرسد، معامله‌گران دچار ترس میشوند که قیمت آن ممکن است هر لحظه سقوط کند، بنابراین میخواهند به سرعت سود بگیرند، در غیر این صورت از قافله جا میمانند.

همانطور که کنستانس براون میگوید: "قاعده کلی برای بازار نزولی این است که RSI در محدوده ۲۰ تا ۳۰ در انتهای پایین مقیاس تا منطقه مقاومت بالایی ۵۵ تا ۶۵ نوسان خواهد کرد. این صرف نظر از بازار یا بازه زمانی صادق است."

همانطور که گفتم، از نظر تئوری مفهوم تغییر دامنه درست است.

با این حال، تغییر دامنه در بازار هند، حداقل در نمودارهای روزانه نیفتی یا ۵۰ شرکت آن، چندان کارآمد نیست. ما مشاهده میکنیم که تقریباً در تمام نمودارهای روزانه، RSI به طور منظم در بازارهای صعودی نیز سطح ۳۰ را لمس میکند. و در نمودار روزانه به ندرت سطح ۸۰ را لمس میکند.

شاید کاردول یا کنستانس براون در مورد بازه زمانی دیگری (نمودارهای هفتگی یا ماهانه به جای نمودارهای روزانه) صحبت میکردند، یا شاید در مورد بازار دیگری (فارکس یا کالا به جای سهام) صحبت میکردند.

به خاطر داشته باشید، نمودارهای ماهانه کند هستند. در آوریل ۲۰۲۰، RSI ماهانه نیفتی ۳۱.۹۲ بود (پس از سقوط سریع ۳۰ درصدی) و این پایین‌ترین رقم پس از سال ۱۹۹۶ بود. حتی در طول بازار نزولی ۲۰۰۸، پایین‌ترین رقم RSI ماهانه نیفتی ۳۵.۴۷ بود، بنابراین این تغییر دامنه کاردول در آنجا نیز اعمال نمیشود.

شاید تحقیقات کاردول نشان داده باشد که تغییر دامنه در بازارهای خاصی کار میکند، اما به نظر میرسد که بازار سهام هند هنوز از قانون ۳۰-۷۰ وایلد در بازه زمانی روزانه پیروی میکند.

شاید مفهوم تغییر دامنه کاردول در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر یا نمودارهای دقیقه‌ای صادق باشد (خودم یک بار بر این اساس در نمودار ۱ دقیقه‌ای معامله کرده‌ام).

در نمودارهای روزانه سهام نیفتی، شواهد تغییر دامنه وجود نداشت؛ آنها تقریباً به طور منظم بین ۷۰ و ۳۰ در نوسان بودند، چه در روند صعودی و چه در روند نزولی.

شاید منطق پشت تغییر دامنه این باشد که یک سهم به دلیل واگرایی نزولی RSI نزولی میشود، که لزوماً باید زیر سقف قبلی رخ دهد و بنابراین ۶۰ مکان ایده‌آلی برای بازگشت RSI است.

یافته مهم: در تحقیقاتم روی نمودارهای روزانه سهام نیفتی، مشاهده کردم که در طول روندهای نزولی، سهام عمیق‌تر از ۳۰ سقوط میکند و در طول روندهای صعودی، سهام تمایل دارد بسیار بالاتر از ۷۰ عبور کند. لزومی به لمس سطوح ۲۰ یا ۸۰ نیست، اما آنها تمایل دارند در مناطق اشباع خرید/فروش عمیق‌تر از حد معمول حرکت کنند.

اگر یک سهم در روند نزولی باشد، بدیهی است که ضعیف است. دلیلش این است که فروش بیشتری نسبت به خرید در حال انجام است. بنابراین مومنتوم آن ضعیف است و وقتی مومنتوم ضعیف است، نمیتوان انتظار داشت که RSI در جهت صعودی به سطوح ۷۰ برسد و باید انتظار داشته باشیم که RSI خط ۳۰ را بیشتر بشکند.

بیایید نمودار هفتگی Coal India را ببینیم، جایی که تغییر دامنه تا حد زیادی اعمال میشود. در سمت چپ پنل RSI، میتوانید مشاهده کنید که بالای ۷۰ بود (در واقع ۷۸ بود)، سپس در طول روند نزولی به زیر سطح ۲۰ سقوط کرد. سپس صعود کرد و به سطح ۶۰ رسید، اما نتوانست خط ۷۰ را لمس کند. بارها و بارها سعی کرد ۷۰ را لمس کند، اما موفق نشد. انصافاً به سطح ۲۰ نیز سقوط نکرد. بنابراین اجازه دهید این قانون تغییر دامنه را در زمینه هند نادیده بگیریم.

حالا به نمودار Coal India نگاه کنید (به یاد داشته باشید که نمودار هفتگی است).

- خط نقطه‌چین بالایی در پنل RSI سطح ۷۰ را نشان میدهد.
- خط نقطه‌چین دوم از بالا سطح ۶۰ را نشان میدهد.
- و خط نقطه‌چین در پایین سطح ۳۰ را نشان میدهد.



در نمودار بالا مشاهده میکنید که RSI در ابتدا بالای ۷۰ بود. سپس به زیر ۳۰ رفت، بهبود یافت، اما در بقیه دوره نتوانست به بالای سطح ۶۰ برسد، که نشان میدهد اکنون Coal India نزولی شده و دامنه معاملاتی نرمال خود را تغییر داده است.

اگر RSI نتواند از سطح ۶۰ بالاتر رود، ضعف در بازار وجود دارد.

اگر RSI نتواند به زیر سطح ۴۰ برسد، قدرت در بازار وجود دارد.

اگر RSI از ۷۰ عقب‌نشینی کند و بالای ۵۰ باقی بماند، روند صعودی را نشان میدهد. در واقع، این نشان میدهد که فضا برای حرکت صعودی بیشتر قیمت ایجاد میکند.

به همین ترتیب، اگر RSI از ۳۰ افزایش یابد و زیر ۵۰ باقی بماند، روند نزولی را نشان میدهد.

تغییر دامنه RSI هشداری برای تغییرات احتمالی روند است. این پیش‌بینی میکند که روند به دلیل تغییر مومنتوم در حال تغییر است.

تغییر دامنه یک سرخ مهم دیگر به ما میدهد. این نشان میدهد که وقتی RSI از سطح ۶۰ به سمت بالا عبور میکند، یک رالی صعودی آغاز میشود و نباید انتظار داشته باشیم که این رالی با رسیدن RSI به سطح ۷۰ به پایان برسد.

به گفته پل دین، هر زمان که قیمت در حال کاهش است، معامله‌گر باید مراقب تغییر دامنه به سمت بالا باشد، و زمانی که قیمت در حال افزایش است، معامله‌گر باید به دنبال تغییر دامنه به سمت پایین باشد. هرچه بازه زمانی معاملاتی کوتاه‌تر باشد، این اتفاق بیشتر رخ میدهد.

در عبارت فوق از پل دین، شاید کلید رمز و راز تغییر دامنه نهفته باشد. این قانون تغییر دامنه ممکن است، فقط ممکن است، در نمودارهای دقیقه‌ای اعمال شود. اما معامله‌گران روزانه نیازی به نگرانی ندارند؛ این قانون برای شما نیست. این قانون تغییر دامنه برای نمودارهای کوتاه مدت یا بهتر بگوییم نمودارهای دقیقه‌ای است.

همانطور که در ابتدا گفتم، مطالعه جدی در مورد RSI در زمینه هند هرگز انجام نشده است، بنابراین ما دقیقاً نمیدانیم کدام نظریه‌ها در اینجا کار میکنند و کدام نه. اکنون دیده‌ایم که نظریه تغییر دامنه در زمینه هند، حداقل در نمودارهای روزانه، کار نمیکند.

۶. کانال ها و خطوط روند

شما میتوانید خطوط روند و کانال ها را در پنل RSI نیز رسم کنید، همانطور که در پنل قیمت انجام میدهید.

خطوط روند RSI نیز میتوانند به عنوان خطوط مقاومت و حمایت عمل کنند. به این ترتیب، شما ایده خوبی از سطوح حمایت و مقاومت سهام خواهید داشت. همچنین ممکن است در سودگیری نیز کمک کند.

RSI همچنین شکست های خط روند و کانال را نشان میده (من این موضوع را به تفصیل در کتاب قبلی خود در کیندل با عنوان "[چگونه شکست را قبل از وقوع واقعی آن ببینیم](#):" [سیگنال های شکست در کانال های نزولی](#)" بحث کرده‌ام).



قاعده کلی کانال‌ها این است که اگر سهامی در یک کانال در حال حرکت است، باید یک کانال مشابه در RSI رسم کنید تا بتوانید این دو کانال را مقایسه کرده و انحرافات احتمالی را مشاهده کنید.

با این حال، کارشناسان RSI توصیه میکنند که کانال‌های RSI را در جهت مخالف روند قیمت ایجاد کنیم (همانطور که در زیر ببینید). در طول روندهای نزولی، کانال‌های صعودی و در طول روندهای صعودی، کانال‌های نزولی رسم کنید. RSI فضای حرکتی محدودی از ۰ تا ۱۰۰ دارد، بنابراین مجبور خواهد بود از کانال خود خارج شود و این تغییر کانال میتواند سیگنالی در مورد نزولی یا صعودی بودن سهام به شما بدهد. به طور خاص، والتر جی. باینز توصیه میکند از کانال‌های RSI برای ارائه سیگنال‌های خرید و فروش استفاده شود.

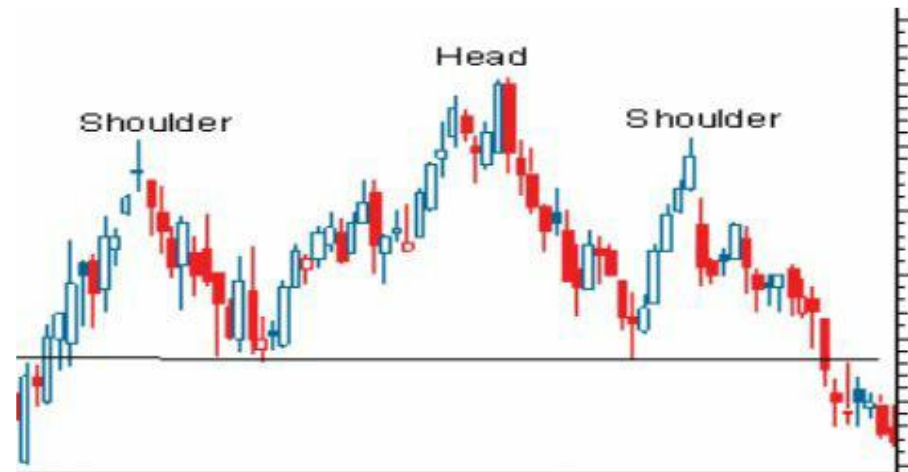


۷. الگوهای نموداری مانند مثلث ها، سر و شانه ها، سر و شانه های معکوس و غیره.

در پنل RSI، میتوانید الگوهای کندل استیک متعددی مانند سر و شانه‌ها، پرچم‌ها یا مثلث‌ها را مشاهده کنید و میتوانید آنها را دقیقاً مانند نمودار قیمت معامله کنید. همانطور که وایلدِر میگوید: "شاخص، الگوهای نموداری گرافیکی را نشان میدهد که ممکن است در نمودار میله‌ای متناظر آشکار نباشند. به عنوان مثال، سر و شانه‌ها، سقف‌ها یا کف‌ها، پرچم‌ها یا مثلث‌ها اغلب در شاخص ظاهر میشوند تا شکست‌ها و نقاط خرید و فروش را نشان دهند." این بدان معناست که RSI میتواند شکست‌ها را بسیار زودتر پیش‌بینی کند.

برخی از این الگوها، آنچه وایلدِر آنها را الگوهای نموداری مینامد، عبارتند از:

- RSI سقف‌های بالاتر و کف‌های بالاتر میسازد. این نشان میدهد که مومنتوم در حال افزایش است و قدرت خرید بیشتر از قدرت فروش است. با این حال، در نقطه‌ای ممکن است متوقف شود و سیگنال واگرایی یا بازگشت بدهد.
 - RSI سقف‌های پایین‌تر و کف‌های پایین‌تر می‌سازد. این نشان میدهد که مومنتوم در حال کاهش است و فشار فروش بیشتر از فشار خرید است. با این حال، در نقطه‌ای ممکن است سیگنال واگرایی یا بازگشت بدهد.
 - RSI الگوی سر و شانه‌ها (نزولی) یا الگوی سر و شانه‌های معکوس (صعودی) میسازد. مفهوم و قوانین معاملاتی مشابه نمودار قیمت است، با این حال این الگو را میتوان بیشتر در پنل RSI نسبت به پنل قیمت مشاهده کرد، زیرا الگوی سر و شانه‌ها فقط در اوج‌ها و الگوی سر و شانه‌های معکوس فقط در دره‌ها معتبر است. قیمت به اندازه RSI اوج و دره ایجاد نمیکند. بنابراین مراقب الگوی سر و شانه‌ها (در حدود سطح ۷۰) یا الگوی سر و شانه‌های معکوس (در حدود سطح ۳۰) در پنل RSI باشید.
- اگر تصویری از شکل الگوی سر و شانه‌ها ندارید، تصویر بعد را ببینید.



سر و شانه‌های معکوس دقیقاً برعکس الگوی سر و شانه‌ها است، همانطور که در تصویر زیر مشاهده میکنید.



- RSI سقف دوقلو یا کف دوقلو میسازد. RSI میتواند در سطوح ۷۰ سقف دوقلو یا در سطوح ۳۰ کف دوقلو بسازد تا تغییرات روند را، حتی قبل از وقوع، نشان دهد. و زیبایی آن در این است که در حین ساخت چنین الگوهایی، RSI واگرایی نیز نشان میدهد. در سقف دوقلو، واگرایی نزولی میدهد که نشان میدهد روند صعودی به پایان رسیده یا حداقل برای مدتی متوقف شده است. در کف دوقلو، واگرایی صعودی میدهد که نشان میدهد روند نزولی به پایان رسیده یا حداقل زمان برای مقداری اصلاح فرا رسیده است.
- RSI مثلث میسازد. مثلث‌های RSI اغلب حول سطح ۵۰ متمرکز میشوند و نشان‌دهنده عدم تصمیم‌گیری در مورد جهت آینده هستند. در نقطه‌ای، RSI از یک طرف یا طرف دیگر از مثلث خارج میشود و در آینده نزدیک حرکت سریعی در RSI و قیمت رخ میدهد. و این همانطور که باید باشد. وقتی مومنتوم تغییر میکند، قیمت نیز باید تغییر کند، زیرا مومنتوم نیرو یا سوخت پشت حرکت قابل توجه قیمت است.

۸. تقاطع میانگین ۹ روزه RSI

شما میتوانید میانگین های RSI را نیز رسم کنید. معمولاً میانگین نمایی ۹ روزه بر روی RSI اعمال میشود. هنگامی که RSI از پایین به بالا خط میانگین خود را قطع میکند، به عنوان سیگنال خرید در نظر گرفته میشود و بالعکس.



این خط میانگین فقط یک ابزار کمکی اضافی است، زیرا سطح فعلی RSI را با میانگین نمایی ۹ روزه قبلی آن مقایسه میکند. با این حال، این تقاطع نباید مبنای معامله قرار گیرد، زیرا RSI میتواند پس از یک شکست یا افت جزئی تغییر مسیر دهد. بنابراین باید با سایر سیگنال‌ها یا الگوهای صعودی یا نزولی تأیید شود. کاردول پیشنهاد میکند از میانگین متحرک ساده (SMA) با دوره ۹ و میانگین متحرک وزنی (WMA) با دوره ۴۵ برای RSI به منظور تشخیص روند کوتاه مدت و میان مدت استفاده شود. اگر SMA با دوره ۹ بالاتر از WMA با دوره ۴۵ باشد، روند صعودی است.



شما میتوانید در اینجا آزمایش کنید و یادگیری خود را افزایش دهید. اگر در پنل قیمت یک میانگین متحرک رسم میکنید، همین کار را در پنل RSI نیز انجام دهید (همان میانگین متحرک، مثلاً اگر میانگین متحرک ساده ۲۰ روزه را در پنل قیمت رسم میکنید، میانگین متحرک ساده ۲۰ روزه را نیز در پنل RSI رسم کنید و نتیجه را بررسی کنید. این ممکن است اطلاعات بیشتری در مورد رابطه قیمت و RSI به شما بدهد.

در اینجا مثالی از نمودار Adani Port آورده شده است که در این بخش از آن استفاده کرده‌ایم:

معامله‌گران عزیز، جادویی در RSI وجود دارد. RSI اسرار را فاش میکند، آیا گوش میدهید؟



حالا ببینید، سیگنال میانگین متحرک RSI بسیار زودتر ظاهر شد و حرکت قیمت را به خوبی پیش‌بینی کرد. اگر منتظر تقاطع میانگین متحرک در پل قیمت میماندید، ۸ تا ۱۰ روز عقب میافتادید. بنابراین همیشه به یاد داشته باشید که RSI یک اندیکاتور پیشرو است و میانگین‌های متحرک آن نیز اغلب میتوانند حرکات قیمت را پیش‌بینی کنند.

۹. واگرایی‌ها: صعودی و نزولی (به تفصیل در فصل ۵ مورد بحث قرار خواهد گرفت)

۱۰. بازگشت‌ها: مثبت و منفی (به تفصیل در فصل ۶ مورد بحث قرار خواهد گرفت)

بنابراین در این فصل، ما در مورد ۱۰ سیگنال برتر RSI، یا بهتر بگوییم ۸ سیگنال برتر RSI آموختیم، زیرا هنوز واگرایی‌ها و بازگشت‌ها را که قدرتمندترین سیگنال‌های RSI در نظر گرفته میشوند، بررسی نکرده‌اید.

پس از خواندن دو فصل بعدی، مطالعه سیگنال RSI خود را به پایان خواهید رساند و میتوانید آنها را در سیستم خود امتحان کنید. من هیچ نرم‌افزار رایگانی نمیشناسم که بتوانید میانگین متحرک را در پنل RSI رسم کنید؛ من این کار را در نرم‌افزار SPIDER خود انجام داده‌ام.

با این حال، اگر نتوانستید هیچ نرم‌افزار رایگانی پیدا کنید، هر زمان که بخواهید میتوانید میانگین متحرک ساده (۹) RSI را در دفترچه خود محاسبه کنید. سطح RSI هموار شده ۹ روز گذشته را از ChartNexus یادداشت کنید (به یاد داشته باشید، RSI هموار شده).

آنها را جمع کنید و مجموع را بر ۹ تقسیم کنید؛ این میانگین متحرک ساده ۹ روزه RSI شماست. این کار تا حدودی پیچیده خواهد بود، اما فراموش نکنید که وایلدِر، مخترع RSI، کل محاسبات را روی کاغذ انجام میداد.

فصل ۵: واگرایی ها: صعودی و نزولی

"واگرایی بارزترین ویژگی شاخص قدرت نسبی است." - جی. ولز وایلد

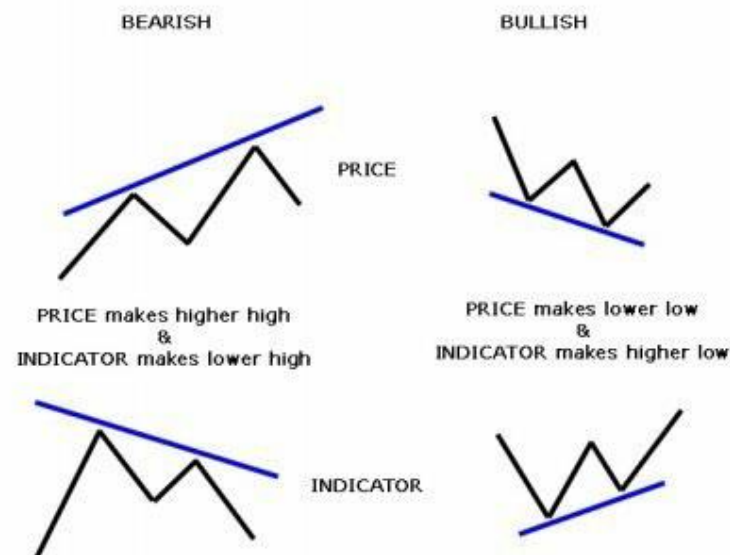
- واگرایی چیست؟
- نظریه ۱: واگرایی ها سیگنال های بسیار قدرتمندی هستند.
- نظریه ۲: واگرایی ها سیگنال‌های جزئی هستند.
- منتظر واگرایی‌های متعدد باشید!
- مدت زمان مهم است.
- اعتبار را با عملکرد قیمت تأیید کنید.
- اعتبار را با کندل استیک ها تأیید کنید.
- اعتبار را با حجم تأیید کنید.

معامله‌گران عزیز، جادویی در RSI وجود دارد. RSI اسرار را فاش میکند، آیا گوش میدهید؟

همانطور که وایلدنر میگوید: "واگرایی بین عملکرد قیمت و RSI یک شاخص بسیار قوی برای نقطه عطف بازار است. واگرایی زمانی رخ میدهد که RSI در حال افزایش است و حرکت قیمت یا ثابت است یا در حال کاهش. برعکس، واگرایی زمانی رخ میدهد که RSI در حال کاهش است و حرکت قیمت یا ثابت است یا در حال افزایش."

واگرایی چیست؟

واگرایی به معنای عدم تأیید است. قیمت به شکلی حرکت می‌کند که توسط RSI پشتیبانی نمیشود.



همانطور که در تصویر بالا مشاهده میکنید،

واگرایی نزولی زمانی رخ میدهد که قیمت سقف بالاتری میسازد و RSI سقف پایین‌تری میسازد.

واگرایی صعودی زمانی رخ میدهد که قیمت کف پایین‌تری میسازد و RSI کف بالاتری میسازد.

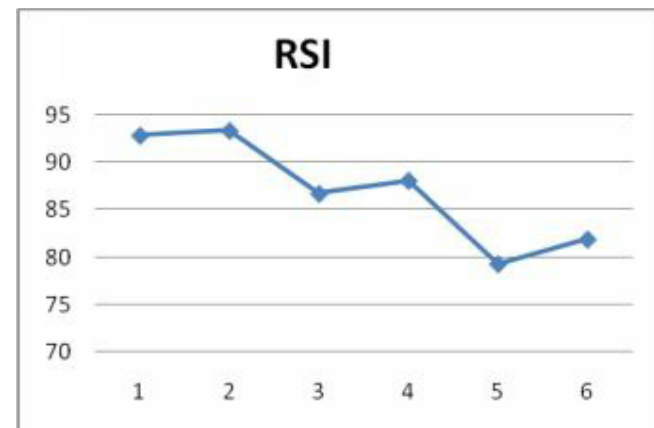
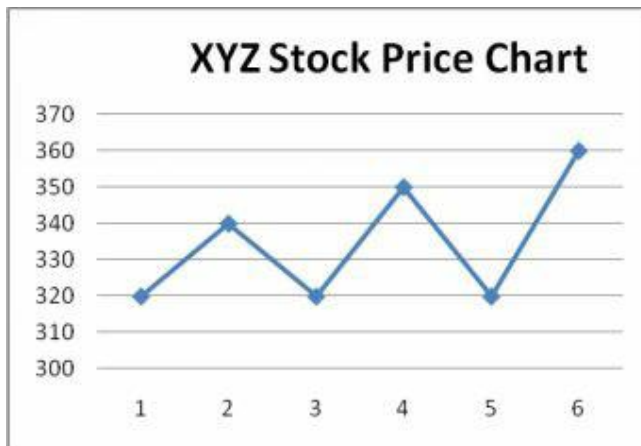
معامله‌گران عزیز، جادویی در RSI وجود دارد. RSI اسرار را فاش میکند، آیا گوش میدهید؟

معمولاً واگرایی‌ها در انتهای محدوده RSI یافت میشوند. واگرایی‌های نزولی در حدود سطح ۷۰ و واگرایی‌های صعودی در حدود سطح ۳۰ یافت میشوند.

اگر نمودار قیمت همچنان کف‌های پایین‌تری را نشان دهد در حالی که در خط نمودار RSI برعکس آن رخ میدهد، واگرایی مثبت وجود دارد. این نشانه آن است که قدرت و مومنتوم حرکت نزولی قیمت در حال کاهش است - حداقل به طور موقت - و بنابراین احتمال یک صعود قیمت موقت را افزایش میدهد.

واگرایی صعودی	در کف ساخته شده، در روند نزولی ساخته شده، سیگنال صعودی.	قیمت کف‌های جدید میسازد، RSI کف‌های بالاتر میسازد.
واگرایی نزولی	ساخته شده در سقف، ساخته شده در روند صعودی، سیگنال نزولی.	قیمت سقف‌های جدید میسازد، RSI کف‌های پایین‌تر میسازد.

بسیار خوب، برای سهولت کار شما، تصاویری را که قبلاً در بخش محاسبات دیده‌اید، مجدداً ارائه خواهیم کرد.



نظریه ۱: واگرایی ها سیگنال های بسیار قدرتمندی هستند.

واگرایی RSI سیگنالی است مبنی بر اینکه RSI به سطوح اشباع خرید/فروش رسیده است و همچنین سیگنالی است مبنی بر اینکه مومنتوم در حال تغییر و روند فعلی در حال تضعیف است. واگرایی یکی از قدرتمندترین سیگنال‌های RSI است. RSI به دلیل ماهیت ضد روندی خود، معامله‌گران را در مورد احتمال تغییر روند یا حداقل اصلاح هشدار میدهد. همانطور که پل دین میگوید، "واگرایی ها مانند جاسوسان کوچکی عمل میکنند که شما را از رویدادها قبل از وقوع آنها آگاه میکنند تا شما یک مزیت داشته باشید." همچنین به یاد داشته باشید که واگرایی RSI یک سیگنال رایج نیست که بتواند توسط همه تحلیلگران فنی دیده یا قدردانی شود. معمولاً به اندازه کافی دقیق توسط نرم‌افزارهای کامپیوتری تولید نمیشود، بنابراین بیشتر معامله‌گران متوجه آن نمیشوند.

به گفته وایلد، مخترع RSI، واگرایی مهم‌ترین ویژگی پیش‌بینی‌کننده RSI است.

از طرف دیگر، طبق مکتب کاردول، واگرایی ها به معنای بازگشت نیستند؛ آنها فقط نشان‌دهنده اصلاح یا پولبک هستند.

شما در انتخاب طرف خود آزاد هستید، اما من به طرف مخترع پایبند خواهم بود.

واگرایی ها میتوانند سرنخ‌های بسیار خوبی برای گفتن آنچه در راه است و چه انتظاری باید داشت، باشند. در بیشتر موارد، واگرایی ها ممکن است حقیقت را در مورد جهت بازار یا سهام به ما بگویند، اما در موارد معدودی ممکن است با شکست مواجه شوند.

نکته: در مطالعه واگرایی های RSI، متوجه شده‌ام که آنها اغلب موفق هستند، اما فقط زمانی که در بالا یا پایین پِنل قیمت یافت شوند. اگر واگرایی RSI را در وسط پِنل مشاهده کنید، ممکن است سیگنال قدرتمندی نباشد. این بدان معناست که برای تغییر روند، ابتدا لازم است یک روند قوی و مستحکم وجود داشته باشد. هرچه روند قوی‌تر باشد، سیگنال واگرایی RSI قدرتمندتر خواهد بود.

واگرایی ها فقط در بالا/پایین پِنل قیمت معنا دارند؛ در دوره تثبیت معنای زیادی ندارند، زیرا در بالا یا پایین پِنل قیمت یافت نمیشوند، بلکه در بین آنها هستند. در مطالعه من، متوجه شده‌ام که در چنین مواردی، واگرایی RSI بلافاصله نتیجه نداد.

نظریه ۲: واگرایی‌ها سیگنال‌های جزئی هستند.

کاردول میگوید: "واگرایی‌های صعودی و نزولی معمولاً باعث یک اصلاح قیمت کوتاه میشوند و نه یک تغییر روند واقعی." به گفته او، واگرایی یک سیگنال جزئی است. او دستاورد فکری استاد خود وایلد را تنزل میدهد تا دستاورد فکری خود، یعنی بازگشت‌ها را ترویج کند. کاردول میگوید که بازگشت‌های مثبت و منفی سیگنال‌های قدرتمندی هستند، زیرا آنها دینامیت و قدرت واقعی RSI هستند.

نظر مکتب کاردول این است که واگرایی قیمت/RSI یک سیگنال استثنایی نیست. این اتفاق مکرراً رخ میدهد، زیرا اجتناب‌ناپذیر است و نیازی به هیچ گونه برخورد خاصی ندارد. این فقط یک راه برای RSI است تا از محدودیت‌های ریاضی خود فرار کند (بحث ضد روند ما از فصل ۳: راز واقعی در روش محاسبه آن است را به خاطر بیاورید).

جان هایدن با تمسخر واگرایی‌ها میگوید: "خرید در هنگام ظهور واگرایی صعودی، راهی مطمئن برای کسب سودهای کوچک و ایجاد ضررهای بزرگ است." اما نه در مطالعه ما! مطالعه ما نشان میدهد که واگرایی‌ها کار میکنند. با این حال، باید به خاطر داشت که اغلب قبل از تغییر روند، چندین واگرایی رخ میدهد.

والتر جی. باینز نیز واگرایی‌ها را کم اهمیت جلوه میدهد و میگوید: "واگرایی مکرراً رخ میدهد و هیچ اهمیت خاصی ندارد." به نظر من، والتر جی. باینز نکته را کاملاً از دست میدهد. واگرایی‌ها در واقع هر دو هفته یکبار رخ نمیدهند، زیرا روندها آنقدر سریع تغییر نمیکنند. یک روند واقعی میتواند چندین ماه یا حتی سال‌ها ادامه داشته باشد.

شاید باینز در اینجا در مورد واگرایی‌های شدید، زمانی که قیمت در بالا یا پایین است، صحبت نمیکند. به نظر میرسد او در مورد واگرایی‌های جزئی صحبت میکند، زمانی که RSI به سطوح ۷۰ یا ۳۰ میرسد (که بیشتر اتفاق میافتد).

کاردول خاطرنشان کرد که واگرایی نزولی: ۱) فقط در روندهای صعودی رخ میدهد، و ۲) بیشتر منجر به یک اصلاح کوتاه میشود تا یک تغییر روند. بنابراین، واگرایی نزولی نشانه‌ای برای تأیید یک روند صعودی است.

به طور مشابه، به گفته کاردول، واگرایی صعودی نشانه‌ای برای تأیید یک روند نزولی است. البته، کاردول واگرایی صعودی را با بازگشت منفی و واگرایی نزولی را با بازگشت مثبت برابر

میدانست.

آنچه کاردول متوجه نمیشود این است که واگرایی‌های قیمت/RSI ممکن است رایج باشند، اما واگرایی که وایلدر در مورد آن صحبت میکند بسیار نادر است و به ندرت دیده میشود. واگرایی‌های واقعی کم و انگشت شمار هستند، در حالی که بازگشت‌ها رایج‌تر هستند. روندها هر ماه در بازار سهام تغییر نمیکنند، اما بازگشت‌های مثبت یا منفی میتوانند هر ماه رخ دهند.

مشکل کاردول یا بهتر بگوییم مکتب کاردول با واگرایی RSI ساده است: در واگرایی RSI، شما نمیتوانید نقطه ورود، نقطه خروج، حد ضرر یا هدف قیمت را تعیین کنید. واگرایی به خودی خود یک ابزار معاملاتی دقیق نیست، به همین دلیل کاردول یا سایر معامله‌گران آن را مهم نمیدانند.

همانطور که پل دین خلاصه میکند: "یک واگرایی، اگرچه وسوسه‌انگیز برای معامله است، اما هیچ هدفی به شما نمیدهد، بنابراین تعیین نسبت ریسک به پاداش شما غیرممکن است."

منتظر واگرایی‌های متعدد باشید!

در مطالعه خود متوجه شده‌ام که RSI میتواند بیش از یک واگرایی بدهد و اغلب این کار را میکند. به همین دلیل است که پس از دیدن اولین واگرایی، برای خرید عجله نکنید. مشاهده من این است که RSI حداقل دو سیگنال واگرایی میدهد و تنها پس از آن روند تغییر میکند. با این حال، سه واگرایی RSI در پی هم برای تغییر جهت قیمت کافی است.

نکته مهم: انتظار نداشته باشید که بازار بلافاصله پس از واگرایی RSI تغییر جهت دهد. روند ابتدا باید کند شود، سپس متوقف شود و سپس معکوس شود. تمام اینها زمان میبرد.

اکنون نموداری را به شما نشان میدهم که در آن قیمت پس از اولین واگرایی اصلاح شد، اما روند تغییر نکرد و سهام کف جدید دیگری ساخت و واگرایی دوم را نشان داد. این به شما هشدار میدهد که به محض دیدن واگرایی، نباید برای خرید عجله کنید. زیرا ممکن است واگرایی‌های متعددی رخ دهد.



در بالا نمودار روزانه PNB را ببینیم که در قیمت ۳۳.۷۵ هم در قیمت و هم در RSI کف ساخته است.

سپس قیمت به کاهش خود ادامه داد و کف جدیدی در ۲۹.۶۵ ساخت. با این حال، RSI کف جدید دیگری نساخت، بلکه بالاتر از نقطه ۱ بود، بنابراین واگرایی صعودی وجود داشت.

به یاد داشته باشید، در اینجا RSI یک کانال صعودی ساخته است که در نهایت با ساخت کف جدید ۲۹.۲۰ آن را میشکند (و نیازی به گفتن نیست که RSI بالاتر از نقطه ۲ است، بنابراین

واگرایی صعودی شماره ۲ وجود داشت (شما نمیتوانید کندل سبز را که پس از نقطه واگرایی ۲ آمد، ببینید)).

مدت زمان مهم است.

این یادآوری است که مگر اینکه واگرایی را در کندل های نزدیک به هم پیدا کنید، تغییر روند قیمت ممکن است به واگرایی های متعددی نیاز داشته باشد. واگرایی های دور از هم مستعد شکست هستند، زیرا دو داستان مومنتوم متفاوت را بیان میکنند. به همین دلیل است که نقاط واگرایی نزدیک به هم قدرتمندتر در نظر گرفته میشوند.

همانطور که جان هایدن اشاره میکند: "مدت زمان یک واگرایی مهم است. یک واگرایی دو تا شش روزه معمولاً نشان میدهد که یک انحراف در قیمت محتمل‌تر از یک دوره طولانی‌تر است. یک دوره واگرایی طولانی‌تر که هفته ها و حتی ماه ها طول میکشد، اگر از نمودارهای روزانه استفاده شود، معمولاً کمتر نشان میدهد که یک انحراف قیمت در راه است. قدرتمندترین واگرایی در طول یک واگرایی ۲ یا ۳ دوره‌ای رخ میدهد."

به گفته کاردول، تعداد دوره‌های بین نقطه ۱ و نقطه ۲ واگرایی مهم است. واگرایی هایی که در عرض ۲ تا ۶ دوره رخ میدهند، قدرتمندتر و قوی‌تر هستند، در حالی که واگرایی های یافت شده در بیش از ۶ دوره آنقدر قابل توجه نیستند. این قطعاً درست است. هرچه کندل های واگرایی نزدیک تر باشند، سیگنال قدرتمندتر و واکنش قیمت سریع‌تر خواهد بود.



معامله‌گران عزیز، جادویی در RSI وجود دارد. RSI اسرار را فاش میکند، آیا گوش میدهید؟



نمودار نیفتی (فوریه-مارس ۲۰۲۰) در بالا را ببینید. در اینجا نیفتی به شدت در حال سقوط است. قیمت کف جدیدی میسازد (اولین خط عمودی از سمت چپ در پنل RSI را مشاهده کنید). RSI نیز کف جدیدی میسازد. قیمت کمی بیشتر سقوط میکند و کف دیگری میسازد، اما RSI کف دیگری نمیسازد و کف بالاتری میسازد (دومین خط عمودی در وسط پنل RSI را مشاهده کنید). سپس پس از یک کندل سبز، قیمت کف پایین‌تر دیگری میسازد. همانطور که به وضوح در سومین خط عمودی از سمت چپ میبینید، RSI کف پایین‌تری نمیسازد، بلکه کف بالاتری میسازد. و بلافاصله پس از آن، قیمت تغییر جهت میدهد. برای وقوع این امر، دو واگرایی لازم بود.

سیگنال‌های واگرایی RSI برای کسانی که عمدتاً بر استراتژی‌های ضد روند تمرکز دارند مفید است. آنها سرمایه‌گذاران را قادر میسازند تا تغییرات روند را در مراحل بسیار اولیه شناسایی کنند. با این حال، مهم است که درک کنیم در بسیاری از موارد، واکنش مخالف به روند موجود کوتاه مدت خواهد بود و به جای تغییر روند، ممکن است به عنوان یک اصلاح یا پولبک به پایان برسد. به همین دلیل است که آنها شاید برای کسانی که دوست دارند در کوتاه مدت کمی تهاجمی‌تر عمل کنند، مناسب‌تر باشند.

تأیید اعتبار با پرایس اکشن

اگر میخواهید در مورد یک واگرایی بسیار مطمئن باشید، در ابتدا هیچ اقدامی نکنید. اجازه دهید عملکرد قیمت سیگنال‌های RSI را تأیید کند. فرض کنید یک واگرایی نزولی در نمودار ببینید. فقط منتظر بمانید تا قیمت یک کف پایین‌تر بسازد. اگر قیمت همچنان کف‌های بالاتر بسازد، در نظر بگیرید که سیگنال RSI باطل شده است.

در مطالعات من، قیمت اغلب سقف بالاتری میسازد و یک واگرایی RSI دیگر ایجاد میکند. در اینجا نیز سعی کنید سیگنال را تأیید کنید.

قانون سرانگشتی: وقتی واگرایی‌ها می‌آیند، به صورت دو یا سه تایی می‌آیند.

وقتی قیمت یک کف پایین‌تر میسازد، سیگنال واگرایی نزولی RSI تأیید میشود. این دقیقاً مفهوم نوسان ناموفق است که قبلاً در فصل ۱۰ سیگنال برتر RSI مورد بحث قرار دادیم.

در مورد واگرایی نزولی، منتظر بمانید تا قیمت یک کف پایین‌تر بسازد (زیرا قبلاً در فرآیند ایجاد واگرایی، یک سقف پایین‌تر ساخته است).

در مورد واگرایی صعودی، منتظر بمانید تا قیمت یک سقف بالاتر بسازد (زیرا در فرآیند ایجاد واگرایی، یک کف بالاتر ساخته است).

به یاد داشته باشید، چه واگرایی نزولی باشد چه واگرایی صعودی، باید توسط عملکرد قیمت تأیید شود. اگر فاصله زمانی بین کندل‌های واگرا کم باشد، قیمت به سرعت تغییر جهت میدهد و از RSI پیروی میکند.

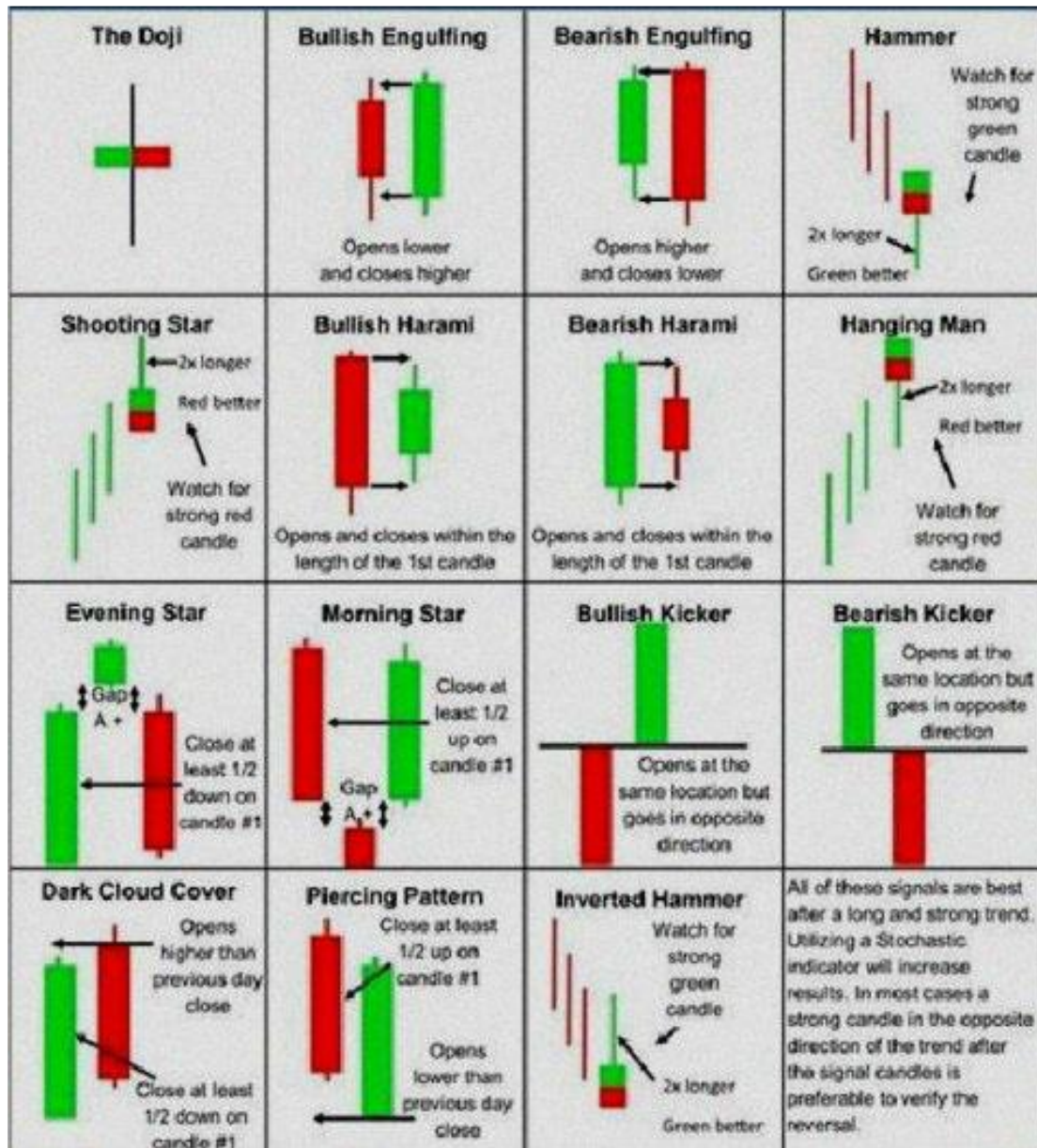
البته، این ممکن است تا حدودی پتانسیل سود شما را کاهش دهد و بیشتر فرصت را از دست خواهید داد.

تأیید اعتبار با کندل استیک‌ها

این روش برای معامله‌گران محافظه‌کار نیست، بلکه برای معامله‌گران تهاجمی است: تأیید با الگوهای کندل استیک.

الگوهای کندل استیک یا یک کندل منفرد نیز میتوانند تغییرات روند را تأیید کنند.

در زیر رایج‌ترین سیگنال‌های تغییر روند که در نمودار کندل استیک یافت میشوند، آورده شده است:



• ستاره صبحگاهی (صعودی) و ستاره شامگاهی (نزولی)

• نوزاد رها شده

• ستاره دوجی

• فرفره

• چکش

• پوشای صعودی و پوشای نزولی

اگر این الگوها را بلافاصله پس از سیگنال واگرایی پیدا کردید، به احتمال زیاد واگرایی معتبر است.

تأیید اعتبار با حجم



تغییر حجم نیز ممکن است واگرایی را تأیید کند. در روند نزولی، قیمت با حجم بالا در حال سقوط بود. اما پس از واگرایی، حجم معاملات کاهش میابد، زیرا در حال حاضر حرکت قیمت به طور موقت خلاف روند است. اگر حجم معاملات کاهش یابد، این سیگنالی است مبنی بر اینکه معامله‌گران محتاط هستند و وارد روند جدید نمیشوند، بلکه منتظر تأیید هستند.

اگر حجم معاملات افزایش یابد و حجم بالاتری را در کندل‌هایی که در جهت روند جدید هستند مشاهده کنید، این امر اعتبار واگرایی را تأیید میکند.

مثال واگرایی نزولی در کندل‌های نزدیک به هم: HUL

من یک نمودار قدیمی از واگرایی نزولی را از فایل‌ها بازیابی کرده‌ام. در اینجا واگرایی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۴، نمودار معاملات دیوالتی محور رخ میدهد.

همانطور که میبینید، این یک واگرایی بسیار قدرتمند با شمارش سیگنال ۳ است (یعنی واگرایی در سومین روز پس از اوج/کف اولیه رخ داده است). اگر بحث فصل ۳ را به خاطر داشته باشید، میدانید که حداقل ۳ کندل برای یک واگرایی لازم است.

- اول صعودی، دوم نزولی، سوم صعودی (در واگرایی نزولی).
- اول نزولی، دوم صعودی، سوم نزولی (در واگرایی صعودی).

پس از آن، بازار سهام از ۲۴ تا ۲۶ اکتبر به دلیل آخر هفته و تعطیلات بسته بود.

در زیر میتوانید نمودار روز بعد را ببینید (این یک نمودار روزانه است، اما با این وجود ایده کلی از اینکه واگرایی چقدر سریع نتیجه داد، خواهید گرفت).

HUL به دلیل نتایج ثابت ۵ درصد سقوط کرد (دومین کندل آخر مربوط به ۲۷ اکتبر در نمودار روزانه است).

در اینجا متوجه میشویم که سیگنال‌های RSI در بازه‌های زمانی کوچکتر نیز میتوانند نتایج خوبی در بازه‌های زمانی بالاتر ارائه دهند.



مثال واگرایی نزولی در کندل های دور از هم: نیفتی ۶۰ دقیقه

همانطور که پل دین میگوید، واگرایی های مثبت منجر به بازگشت های منفی میشوند؛

واگرایی های منفی منجر به بازگشت های مثبت میشوند.

این یعنی واگرایی ها منجر به بازگشت ها میشوند.

خب، بعدش باید چیکار کنیم؟

باید بریم سراغ یه سیگنال قدرتمند دیگه RSI: بازگشت.



فصل ۶: بازگشت‌ها: مثبت و منفی

"اگر تنها یک مفهوم از این کتاب برداشت کنید، بگذارید این باشد: هنگامی که یک نوسانگر به طور نامتناسب با حرکت بازار پیشروی یا پسروی میکند، اگر موقعیتی هم‌جهت با نوسانگر اتخاذ کرده باشید، در طرف اشتباه بازار قرار دارید." - کانستنس براون

- تفاوت‌های کلیدی بین واگرایی‌ها و بازگشت‌ها
- بازگشت‌های مثبت و بازگشت‌های منفی
- بازگشت‌های مثبت
- بازگشت‌های منفی
- چگونه هدف قیمتی را محاسبه کنیم؟
- فرمول هدف قیمتی برای یک سیگنال بازگشت مثبت
- فرمول هدف قیمتی برای یک سیگنال بازگشت منفی
- تأیید بازگشت‌ها
- بازگشت‌ها سیگنال‌های ادامه روند هستند
- نقاط مرجع نزدیک قوی‌تر هستند

همانطور که قبلاً به شما گفتم، بازگشت‌های مثبت و منفی توسط ولز وایلدر ابداع نشدند، بلکه سهم اندرو کاردول در RSI هستند. ولز وایلدر به موضوعات دیگر پرداخت، اما کاردول به RSI پایبند ماند و در این راستا، بازگشت‌ها را کشف کرد. برخی افراد نیز آنها را "واگرایی‌های پنهان" مینامند که اصطلاحی بسیار گیج‌کننده است و به پیچیدگی‌های دنیای RSI میافزاید.

تفاوت‌های کلیدی بین واگرایی‌ها و بازگشت‌ها

به یاد داشته باشید، بازگشت‌ها با واگرایی‌ها متفاوت هستند؛ در واقع، آن‌ها درست برعکس یکدیگرند.

واگرایی	بازگشت	
روند	واگرایی‌ها نشانگر تغییر روند هستند.	بازگشت‌ها نشانگر ادامه روند هستند.
اندازه‌گیری در روند نزولی	واگرایی در یک روند نزولی از کف‌های قیمت و اندیکاتور اندازه‌گیری میشود.	بازگشت منفی در یک روند نزولی از سقف‌های قیمت و اندیکاتور اندازه‌گیری میشود.
اندازه‌گیری در روند صعودی	واگرایی در یک روند صعودی از سقف‌های قیمت و اندیکاتور اندازه‌گیری میشود.	بازگشت مثبت در یک روند صعودی از کف‌های قیمت و اندیکاتور اندازه‌گیری میشود.
قرارگیری	در محدوده‌های انتهایی نمودار قیمت و نزدیک سطوح اشباع خرید/فروش RSI	بازگشت‌ها بیشتر در میانه محدوده نمودار یافت میشوند.

- خط روند برای بازگشت‌های مثبت در خط پایین/حمایت نمودارهای قیمت و RSI رسم میشود (دقیقاً مانند کاری که در واگرایی صعودی انجام میدهم).

- خط روند برای بازگشت‌های منفی در خط بالا/مقاومت نمودارهای قیمت و RSI رسم میشود (دقیقاً مانند کاری که در واگرایی نزولی انجام میدهم).

همانطور که پل دین میگوید، واگرایی‌ها معمولاً "نشانه‌ها" هستند، در حالی که بازگشت‌ها معمولاً "سیگنال‌ها" هستند.

منظور او این است که شما میتوانید بر اساس یک سیگنال بازگشت معامله کنید، در حالی که نمیتوانید با تعیین هدف قیمتی بر اساس یک سیگنال واگرایی معامله کنید.

بازگشت های مثبت و بازگشت های منفی

یک بازگشت مثبت زمانی رخ میدهد که:

- قیمت یک کف بالاتر میسازد در حالی که RSI یک کف پایین تر میسازد.
- قیمت متعاقباً افزایش میابد.
- بازگشت های مثبت فقط در روندهای صعودی رخ میدهند.
- خطوط روند بازگشت مثبت بر روی کف ها رسم میشوند.

یک بازگشت منفی زمانی رخ میدهد که:

- قیمت یک سقف پایین تر میسازد در حالی که RSI یک سقف بالاتر میسازد.
- قیمت متعاقباً کاهش میابد.
- بازگشت های منفی فقط در روندهای نزولی رخ میدهند.
- خطوط روند بازگشت منفی بر روی سقف ها رسم میشوند.



بازگشت منفی	بازگشت مثبت	
در روندهای نزولی	در روند های صعودی	روند
نشانگر ادامه روند نزولی است	نشانگر ادامه روند صعودی است	ادامه روند
در اصلاحات روند نزولی رخ میدهد	در اصلاحات روند صعودی رخ میدهد	الگوی اصلاحی
قیمت سقف های پایین‌تر میسازد، RSI سقف های بالاتر میسازد	قیمت کف های بالاتر میسازد، RSI کف های پایین‌تر میسازد	قوانین قیمت/RSI
از سقف‌های قیمت و اندیکاتور اندازه‌گیری میشود	از کف‌های قیمت و اندیکاتور اندازه‌گیری میشود	اندازه‌گیری
در میانه نمودار قیمت	در میانه نمودار قیمت	موقعیت/قرارگیری

بازگشت‌های مثبت

بازگشت‌های مثبت در طول روندهای صعودی دیده میشوند. آنها در زمان اصلاحات یا بازگشت‌های قیمتی رخ میدهند، زمانی که سهم به دلیل سودگیری معمول معامله‌گران کاهش میابد و نه به دلیل فروش جدی.

از آنجایی که سهم در یک روند صعودی قوی حرکت میکند، میانگین صعودی آن برای ۱۴ روز گذشته به طور قابل توجهی بالا است. هنگامی که یک حرکت معکوس در قیمت رخ میدهد، RSI واکنش شدیدی نشان میدهد و به طور نامتناسبی کاهش میابد.



همانطور که در بحث فصل ۳ دیدیم: راز واقعی RSI در روش محاسبه آن است، RSI به طور نامتناسبی در قیمت‌های خلاف روند حرکت میکند. بنابراین RSI بیش از آنچه باید کاهش میابد و در این فرآیند یک بازگشت مثبت ایجاد میکند.

پس از اصلاح قیمت، خریداران جدید وارد میشوند و حتی کسانی که سود کرده‌اند نیز دوباره وارد میشوند، زیرا بار دیگر قیمت سهام را جذاب می‌بند. مومنتوم افزایش میابد و روند صعودی ادامه میابد.

بازگشت‌های منفی

بازگشت‌های منفی در طول روندهای نزولی رخ میدهند. سهام در حال کاهش است و RSI نیز همراه با آن کاهش میابد.

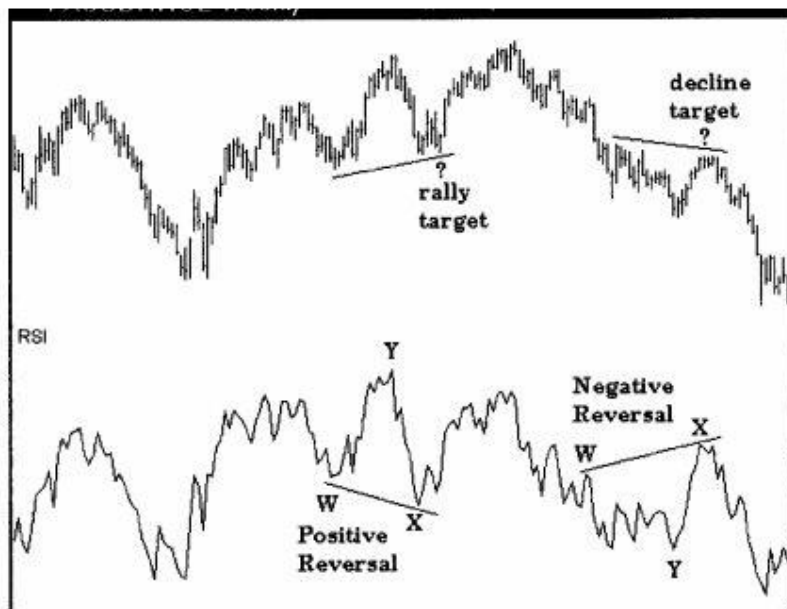
ناگهان فروشندگان استقراری سود خود را برداشت میکنند و پوشش استقراری رخ میدهد. قیمت کمی افزایش میابد، اما RSI به شدت در این حرکت قیمت خلاف روند افزایش میابد. و در این فرآیند، یک بازگشت منفی ایجاد میکند.

پس از اصلاح قیمت، فروشندگان استقراری جدید به جمع میپیوندند یا فروشندگان استقراری قبلی دوباره وارد میشوند و به همین دلیل روند نزولی ادامه میابد.

نکته مهم: کف‌های اسپایک RSI در یک روند صعودی و سقف‌های اسپایک RSI در یک روند نزولی مشاهده میشوند.

چگونه هدف قیمتی را محاسبه کنیم؟

بازگشت‌های مثبت و منفی برای معامله‌گران ترجیح داده میشوند، زیرا در اینجا میتوانید اهداف و حد ضرر تعیین کنید، که در مورد واگرایی دشوار است. در اینجا میدانید کجا وارد شوید و حد ضرر خود را کجا قرار دهید. معامله‌گران خوب میخواهند نسبت پاداش به ریسک را از قبل تعیین کنند. و برای دانستن این نسبت، آنها باید قیمت ورود، حد ضرر و قیمت هدف خود را بدانند.



فرمول هدف قیمتی برای سیگنال بازگشت مثبت

$$\text{هدف قیمتی} = (X-W)+Y$$

توجه: اشتباه نکنید که X پایین‌تر از W است (من این را میدانم، زیرا در ابتدا خودم هم اشتباه کردم). شما به پنل اشتباه نگاه میکنید. به پنل قیمت نگاه کنید، جایی که قیمت در X بالاتر از

قیمت در W است. بنابراین فرمول درست است. شما فقط باید قیمت در نقاط W، X و Y اندیکاتور RSI را پیدا کنید.

فرض کنید قیمت در نقطه W برابر ۱۰۰، قیمت در نقطه X برابر ۱۱۰ و قیمت در نقطه Y برابر ۱۳۰ بوده است. اکنون این اعداد را در فرمول خود برای محاسبه هدف قیمتی پیش‌بینی شده قرار

میدهیم:

$$\text{هدف قیمتی پیش‌بینی شده} = (X-W)+Y$$

$$= (110-100)+130$$

$$= 140$$

بنابراین هدف قیمتی ۱۴۰ است.

ما میتوانیم در قیمت ۱۱۵ با حد ضرر ۱۰۹ (زیر کف اخیر ۱۱۰) وارد شویم. اگر این کار را انجام دهیم، تنظیمات معامله ما به شرح زیر است:

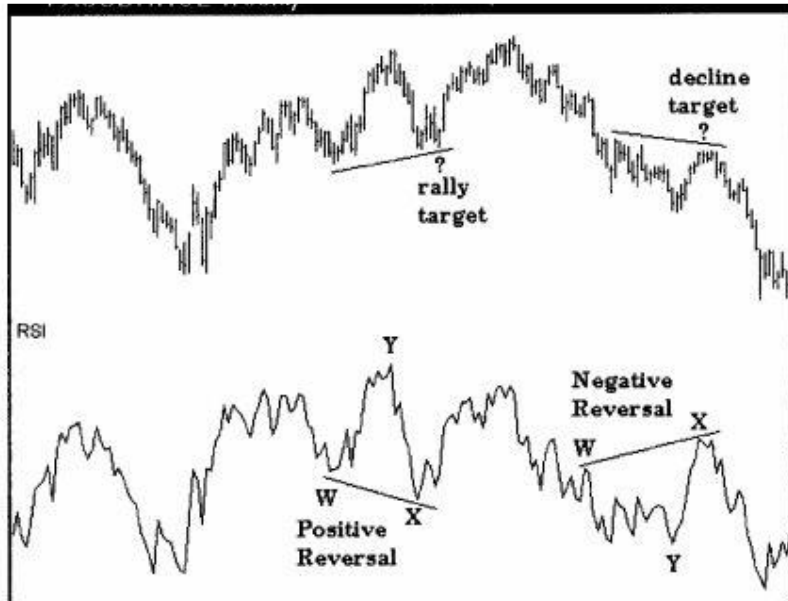
ریسک = ۷ واحد پولی

پاداش = ۲۵ واحد پولی

نسبت پاداش به ریسک = ۲۵:۷

$$= 3.6:1$$

بد نیست!



فرمول هدف قیمتی برای سیگنال بازگشت منفی

فرض کنید در یک بازگشت منفی، قیمت در نقطه W برابر ۱۱۰، قیمت در نقطه X برابر ۱۰۰ و قیمت در نقطه Y برابر ۸۰ بوده است. اکنون این اعداد را در فرمول خود برای محاسبه هدف قیمتی پیش‌بینی‌شده قرار میدهیم:

$$Y - (W - X) = 80 - (110 - 100) = 70 = \text{هدف قیمتی پیش‌بینی‌شده}$$

بنابراین هدف قیمتی پیش‌بینی‌شده ۷۰ است.

در اینجا نیز میتوانید حد ضرر خود را تعیین کنید، شاید در ۱۰۱، یک واحد پولی بیشتر از X

و سپس محاسبه نسبت پاداش به ریسک شما آسان است.

فرض کنید در قیمت ۹۵ وارد میشوید (این مقدار حاشیه باید در نظر گرفته شود، زیرا تشخیص الگو زمان میبرد، اسپرد

خرید و فروش وجود دارد و کمسیون، کارگزاری و غیره نیز وجود دارد).

$$\text{قیمت ورود} = 95$$

$$\text{قیمت هدف} = 70$$

$$\text{حد ضرر} = 101$$

$$\text{نسبت پاداش به ریسک} = 25:6$$

$$= 4.2:1$$

منتظر چه هستید؟ بروید و فروش استقراضی کنید.

تأیید بازگشت‌ها

کاردول توصیه کرد که با دیدن بازگشت‌ها نباید خرید یا فروش کنیم. بلکه باید سیگنال را تأیید کنیم که آیا معتبر است یا خیر.

توصیه او دریافت تأیید از میانگین‌های متحرک RSI (نه قیمت) است.

تأیید بازگشت مثبت - SMA۹ و WMA RSI باید به سمت بالا اشاره کنند.

تأیید بازگشت منفی - SMA۹ و WMA RSI باید به سمت پایین اشاره کنند.

ابطال: اگر خط روند واگرایی شکسته شود، واگرایی باطل میشود.

هنگامی که سیگنال مخالف دریافت میکنید، سود خود را برداشت کرده و خارج میشوید. همانطور که پل دین میگوید: "بازگشت مثبت به محض تأیید بازگشت منفی به پایان میرسد. چه

کار میکنیم؟ خارج میشویم. ساده است."

بازگشت‌ها سیگنال‌های ادامه روند هستند

الگوهای بازگشتی عمدتاً برای معامله‌گران روند مفید هستند، زیرا وقوع این الگو نشان میدهد که قیمت‌ها یک اصلاح قیمتی در یک روند بزرگتر انجام داده‌اند - و روند آماده از سرگیری است.

مزیت اصلی معامله با الگوی بازگشتی این است که اکثریت مومنتوم بازار در طرف شما است، زیرا شما در همان جهت روند بزرگتر معامله میکنید.

این یک تفاوت کلیدی بین الگوی بازگشتی و واگرایی کلاسیک است، و نکته‌ای که بسیاری از معامله‌گران جدید هنگام تلاش برای پیاده‌سازی این استراتژی‌ها از دست میدهند. وقوع یک

الگوی بازگشتی همچنین میتواند به عنوان تأییدی بر معتبر بودن روند اصلی عمل کند.

نقاط مرجع نزدیک قدرتمندتر هستند

کاردول نقاط مرجع نزدیک را برای الگوهای بازگشتی خود ترجیح می‌دهد. این بدان معناست که آنها باید به طور ایده‌آل با یک کندل قیمتی از هم جدا شوند. چنین سیگنال‌هایی، سیگنال‌های "قوی" هستند که با یک یا دو کندل از هم جدا میشوند، زیرا اطمینان می‌دهند که اهداف پیش‌بینی شده محقق میشوند.

به عنوان مثال، بیایید در مورد بازگشت‌های مثبت صحبت کنیم. یک سهم در قیمت ۸۵ (W) کف می‌سازد، روز بعد یک کندل سبز در قیمت ۹۰ (Y) می‌دهد، و در روز سوم یک کندل قرمز در قیمت ۸۸ (X) می‌سازد. هدف پیش‌بینی شده چقدر خواهد بود؟

$$\text{فرمول بازگشت‌های مثبت را به خاطر بیاورید: هدف قیمتی پیش‌بینی‌شده} = (۸۸-۸۵)+۹۰ = (X-W)+Y = ۹۳$$

آیا مشکل را در اینجا می‌بینید؟

سعی کنید حد ضرر تعیین کنید و نسبت پاداش به ریسک را محاسبه کنید.

حالا شاید مشکل را ببینید: حاشیه سود بسیار پایین است.

پس چرا کاردول آن را به این شدت توصیه می‌کرد؟

نکته کلیدی در جزئیات است.

شاید کاردول این قانون را برای بازارهای فارکس وضع کرده باشد، جایی که حاشیه سود پایین یک امر عادی تلقی می‌شود.

اما دلیل واقعی این است. ما در مورد نمودارهای روزانه فکر می‌کنیم، اما کاردول نمودارهای هفتگی را ترجیح می‌داد و همه ما میدانیم که یک کندل هفتگی لزوماً بزرگتر است.

اصرار کاردول بر نقاط مرجع نزدیک فقط در چارچوب نمودار هفتگی یا ماهانه قابل درک است.

در یک نمودار هفتگی، یک سهم در قیمت ۸۵ (W) کف می‌سازد، هفته بعد یک کندل سبز در قیمت ۱۲۵ (Y) می‌دهد، و در هفته سوم یک کندل قرمز در قیمت ۹۰ (X) می‌سازد. هدف

پیش‌بینی شده چقدر خواهد بود؟

هدف قیمتی پیش‌بینی شده = $(X-W)+Y$

$$= (90-85)+125$$

$$= 130$$

اکنون نسبت پاداش به ریسک، حد ضرر و هدف قیمتی پیش‌بینی شده همگی همخوانی دارند.

بنابراین در اینجا بحث خود را در مورد ۱۰ سیگنال برتر RSI، که در فصل ۴ آغاز کردیم، به پایان میرسانیم.

در فصل بعد، به محدودیت‌های RSI خواهیم پرداخت. این ابزار میتواند جادویی عمل کند، اما این بدان معنا نیست که همیشه، در همه جا، در همه بازارها و در همه سهام جادو میکند.

تاکنون آموخته‌ایم که چه زمانی باید از RSI استفاده کنیم؛ اکنون خواهیم آموخت که چه زمانی نباید از RSI استفاده کنیم.

فصل ۷: محدودیت های RSI

"بازارها تمایل دارند ۷۰-۷۵٪ مواقع در یک محدوده معاملاتی و ۲۵-۳۰٪ مواقع در یک روند حرکت کنند. در نتیجه، هر دوره زمانی میانگین متحرک باید به طور یکسان در یک بازار دارای روند مؤثر باشد و هیچ میانگین متحرکی در یک بازار با محدوده معاملاتی مؤثر نیست. برعکس، اسیلاتورهایی که مناطق اشباع خرید و فروش را شناسایی میکنند، در بازارهای با محدوده معاملاتی یا بازارهای جانبی مؤثرتر هستند." - توماس دیمارک

RSI یک اندیکاتور پویا است که فراتر از عملکردهای خود به عنوان یک اسیلاتور مومنتوم عمل میکند. با این حال، مانند هر اندیکاتور دیگری، محدودیت‌های خاص خود را دارد. شما باید از این محدودیت ها آگاه باشید تا از آن در جایی که RSI نمیتواند یا نباید استفاده شود، استفاده نکنید.

- اول از همه، RSI یک اسیلاتور مومنتوم است، بنابراین در روندها خوب کار نمیکند، یا به قول مردم اینطور است. این اجماع کلی در مورد RSI است. با این حال، همانطور که دیده‌ایم واگرایی ها و بازگشت ها میتوانند در طول روندها نیز به خوبی کار کنند. بنابراین این محدودیت ۱۰۰٪ درست نیست.
- در سهام های کم نقدینگی یا با شناوری پایین خوب کار نمیکند، بنابراین سعی نکنید سهام های با شناوری پایین یا حجم معاملات کم را بر اساس RSI معامله کنید. و دلیل آن ساده است: خرید یا فروش مقدار کم میتواند قیمت ها را به طور نامتناسبی نوسان دهد. به دنبال سهامی با حجم معاملات خوب باشید، ترجیحاً بالای ۱۰۰ هزار سهم در روز.
- در سهام‌های تحت تأثیر معامله‌گران بزرگ یا سهام‌های دارای محدودیت نوسان روزانه خوب کار نمیکند.
- در سهامی با نوسانات بسیار بالا به درستی کار نمیکند و در چنین مواردی RSI ممکن است سیگنال‌های ناسازگار ارائه دهد.
- از نظر تئوری در نمودارهای شاخص خوب کار نمیکند، اگرچه در نمودار نیفتی بسیار خوب عمل میکند. تئوری این است که یک شاخص مجموعه‌ای از چندین سهام است، بنابراین حرکت تجمعی ممکن است قرائت های ثابتی ارائه ندهد. با این حال، در عمل دیده‌ام که در شاخص Nifty ۵۰ به خوبی کار میکند.
- فقط بر اساس قیمت های بسته شدن محاسبه میشود، بنابراین بالاترین یا پایین‌ترین قیمت‌های روز در نظر گرفته نمیشوند، حتی اگر چنین حرکات قیمتی قابل توجه باشند.

- به ویژه در جهت خلاف روند، ممکن است سیگنال‌های نادرست یا نامتناسب ارائه دهد. یک حرکت قیمت کوچک در خلاف جهت روند میتواند باعث حرکت بزرگی در RSI شود.
- همانطور که قبلاً در فصل ۱ بحث کردیم، RSI در وبسایت های مختلف قرائت های متفاوتی ارائه میدهد، بنابراین از صحت قرائت آن اطمینان حاصل کنید. برای اهداف این کتاب، همیشه RSI را در وبسایت نموداری آنلاین رایگان investing.com بررسی کنید.
- معامله‌گران روزانه ترجیح میدهند از دوره‌های کوتاه‌مدت در RSI استفاده کنند؛ برخی حتی از RSI با دوره ۳ یا ۲ برای تولید سیگنال‌های بیشتر استفاده میکنند.
- استفاده از RSI بسیار ذهنی است. تجربه معامله‌گر نقش حیاتی ایفا میکند.
- به طور خلاصه، RSI یک عکس فوری از تعادل قدرت خرس‌ها و گاوها به ما میدهد. هر زمان که به دلیل اخبار مهم تغییر مومنتوم رخ دهد، RSI قبل از حرکت قیمت ما را از آن آگاه میکند. این اندیکاتور به هرگونه تغییر در مومنتوم بسیار حساس است. سایر اندیکاتورها به خطوط سیگنال یا حمایت چندین میانگین متحرک نیاز دارند، اما یک خط RSI به تنهایی قادر به انجام تمام این کارها و حتی بهتر از آنها است.
- اگر کسی به شما گفت که معامله‌گری ساده است، اصلاً باور نکنید. او شوخی میکند یا ذهنیت یک کودک را دارد. بازار سهام پر از حرفه‌ای های خوش قلب است که ماموریتشان در زندگی سخت کردن زندگی معامله‌گران خرد و آموزش چند درس به آنها در این راه است. آنها از شیک اوت ها و فیک اوت ها با RSI نیز استفاده میکنند، درست مانند مهاجم نوک تیم شما در هاکی: طوری وانمود میکنند که یک کار را انجام میدهند، در حالی که در واقع قصد انجام کار دیگری را دارند.
- محبوب ترین ترفند فریبنده این است که وقتی حرفه‌ای ها میخواهند یک بریک اوت ایجاد کنند، فقط فشار خرید را متوقف میکنند. RSI در محدوده ۷۰ بسیار نوسان دارد، بنابراین حتی با کاهش جزئی به زیر ۷۰ میرسد، که باعث میشود معامله‌گران خرد فکر کنند که RSI در حال معکوس شدن است و اکنون قیمت کاهش خواهد یافت؛ بنابراین برخی از آنها سهام را میفروشند یا حتی فروش استقراضی میکنند. سپس حرفه‌ای های خندان فشار را بر پدال خرید میگذارند و با ایجاد یک بریک اوت، فروشندگان استقراضی را نابود میکنند.

فصل ۸: بهترین تایم فریم کدام است؟

"خب، من از دوره ۱۴ در نمودارهای ماهانه، هفتگی، روزانه، ساعتی، ۱۵ دقیقه‌ای و ۵ دقیقه‌ای استفاده میکنم. قوانین بسته به خلق و خو و هدف سرمایه‌گذاری یک معامله‌گر تغییر نمیکند." -

اندرو کاردول

- چالش تصمیم‌گیری در مورد تایم فریم نمودار
- بهترین تایم فریم کدام است؟
- یک سطح بالاتر، یک سطح پایین‌تر
- چالش تصمیم‌گیری در مورد تعداد دوره‌ها در RSI
- چالش تصمیم‌گیری در مورد روند
- چرا تایم فریم مهم است؟
- چالش سطوح اشباع خرید/فروش چندگانه

تایم فریم‌های بسیار زیادی وجود دارند که سیگنال‌های RSI متفاوتی در مورد خرید، فروش یا نگهداری ارائه میدهند. (تعجب میکنم که آیا کسی تا به حال سیگنال "نگهداری" از RSI دریافت کرده است!)

در فصل ۱، در مورد چندین چالش در معامله‌گری با RSI صحبت کردیم؛ یکی از چالش‌های اصلی مربوط به تایم فریم است.

چالش تصمیم‌گیری در مورد تایم فریم نمودار

به گزینه‌های مختلف تایم فریم نمودار موجود در Investing.com نگاه کنید:

۱. نمودار ۱ دقیقه‌ای

۲. نمودار ۵ دقیقه‌ای

۳. نمودار ۱۵ دقیقه‌ای

۴. نمودار ۳۰ دقیقه‌ای

۵. نمودار ۴۵ دقیقه‌ای

۶. نمودار ۱ ساعته

۷. نمودار ۲ ساعته

۸. نمودار ۴ ساعته

۹. نمودار ۵ ساعته

۱۰. نمودار ۱ روزه

۱۱. نمودار ۱ هفته‌ای

Timeframe	RSI level
1 min chart	56.25
5 min chart	30.23
15 min chart	32.12
30 min chart	28.35
45 min chart	33.10
1 hour chart	34.56
2 hour chart	41.72
4 hour chart	48.15
5 hour chart	48.08
1 day chart	48.51
1 week chart	36.89
1 month chart	39.53
Average RSI	39.79

۱۲. نمودار ۱ ماهه

نکته جالب: Spide Software یک گزینه نمودار با تایم فریم حتی بالاتر نیز ارائه میدهد: نمودار ۳ ماهه (نمودار فصلی). هنگامی که ۱۲ نمودار با تایم فریم مختلف وجود دارد، طبیعتاً ۱۲ سطح RSI مختلف از یک سهام یا شاخص در هر لحظه وجود خواهد داشت.

بعد از بسته شدن بازار در تاریخ ۵.۵.۲۰۲۰ یک مثال به شما نشان خواهم داد.

حالا بیایید به طور خلاصه در مورد اینکه سطوح مختلف RSI چه چیزی به ما میگویند صحبت کنیم.

- نمودار ۱ دقیقه‌ای بالاترین قرائت RSI را دارد. این بدان معناست که در ۱۴ دقیقه گذشته، مومنتوم خرید قوی‌تر از مومنتوم فروش بوده است. سایر نمودارهای دقیقه‌ای قرائت‌های RSI کمتری را نشان میدهند، بنابراین میتوانیم نتیجه بگیریم که یک روز نزولی بوده است و بنابراین نمودار ۱ دقیقه‌ای پوشش استقراری و تسویه یا سودگیری بین روزی را نشان میدهد.
- پنج نمودار از این نمودارها (از ۵ دقیقه‌ای تا ۱ ساعته) RSI را در حدود سطح ۳۰ نشان میدهند. این بدان معناست که RSI در آنجا نزدیک سطوح اشباع فروش است و احتمالاً روند فعلی نزولی است. قرائت‌های پایین نمودارهای دقیقه‌ای نیز نشان میدهد که یک روز نزولی بوده است.
- سه نمودار از این نمودارها (۴ ساعته، ۵ ساعته و ۱ روزه) RSI را در حدود سطح ۴۸ نشان میدهند؛ این بدان معناست که معادله خرید و فروش تقریباً در تعادل است. این نشان میدهد که در طول دو هفته گذشته، مومنتوم نامشخص بوده است و ممکن است در مورد جهت تردید وجود داشته باشد.

نکته جالب: به هر حال، آیا کسی را میشناسید که بر اساس نمودار ۲ ساعته یا ۴ ساعته یا ۵ ساعته معامله کند؟ من حتی نمیدانستم که چنین نمودارهایی وجود دارند.

RSI هفتگی در ۳۷ و RSI ماهانه در ۳۹ قرار دارد.

RSI هفتگی کمتر از RSI روزانه است، که نشان میدهد بازار در ۱۴ هفته گذشته سقوط کرده است.

بهترین تایم فریم کدام است؟

به یاد داشته باشید، سطوح قیمت در تمام تایم فریم‌ها بدون تغییر باقی میمانند، اما سطوح RSI در تایم فریم‌های مختلف تغییر میکنند. و این ریشه بسیاری از سردرگمی‌ها است. چرا؟

زیرا RSI بر اساس قیمت بسته شدن یک کندل محاسبه میشود. در نمودار ۱ دقیقه‌ای، RSI هر دقیقه تغییر میکند زیرا قیمت هر دقیقه یک کندل جدید میسازد و RSI هر دقیقه محاسبه میشود. در نمودار ۱ روزه، هر روز تغییر میکند زیرا قیمت هر روز یک کندل جدید میسازد. بنابراین RSI در تایم فریم‌های مختلف قرائت‌های متفاوتی ارائه میدهد.

این تایم فریم‌های مختلف یک چالش منحصر به فرد برای معامله‌گران ایجاد میکنند: بهترین تایم فریم کدام است؟

خب بستگی دارد! بستگی به روانشناسی شما، سرمایه شما، ظرفیت نگهداری شما، انتظارات سود شما و اینکه آیا شما این امکان را دارید که در ساعات بازار برای معاملات روزانه جلوی کامپیوتر خود بنشینید یا خیر. اگر فقط به صورت پاره وقت معامله میکنید و شغل یا حرفه تمام وقت دیگری دارید، بدیهی است که معاملات روزانه یک گزینه مناسب برای شما نیست. بنابراین میتوانید به راحتی نمودارهای دقیقه‌ای را فراموش کنید.

اگرچه نظرات متعددی در این مورد وجود دارد، اما اجماع کلی به این صورت است:

- برای معاملات روزانه: نمودار ۵ دقیقه‌ای، نمودار ۱۵ دقیقه‌ای
- برای معاملات نوسانی/موقعیت‌گیری: نمودار ۱ ساعته
- برای معاملات کوتاه مدت (کمتر از یک سال): نمودار روزانه

- برای معاملات بلند مدت (بیش از یک سال): نمودار هفتگی

یک سطح بالاتر، یک سطح پایین‌تر

همیشه نمودارهای یک سطح بالاتر و یک سطح پایین‌تر را بررسی کنید. منظور چیست؟ منظور این است که اگر شما بر اساس نمودار روزانه معامله میکنید، باید به یک سطح بالاتر (در این مورد، هفتگی) و یک سطح پایین‌تر (نمودار ۱ ساعته) نیز نگاه کنید تا نویز را فیلتر کرده و دیدگاه مناسبی به دست آورید.

تمرکز: نمودار روزانه

یک سطح بالاتر: نمودار هفتگی

یک سطح پایین‌تر: نمودار ۱ ساعته

ممکن است برسید، برای یک سطح پایین‌تر چرا نباید نمودار ۵ ساعته را انتخاب کنیم؟ پرسش شما معتبر است، اما پاسخ واضح است. از نظر تئوری، نمودار ۵ ساعته تایم فریم بعدی است، اما عملاً هیچکس بر اساس نمودارهای ۲ ساعته، ۴ ساعته یا ۵ ساعته معامله نمیکند. بنابراین سطح منطقی پایین‌تر، نمودار ۱ ساعته است.

اکثر معامله‌گران فقط از نمودارهای ۱ دقیقه‌ای، ۵ دقیقه‌ای، ۱۵ دقیقه‌ای، ۱ ساعته، ۱ روزه و ۱ هفته‌ای استفاده میکنند. بنابراین اگرچه از نظر تئوری ۱۲ تایم فریم در Investing.com موجود است، اما عملاً فقط ۶ تایم فریم برای انتخاب وجود دارد.

نمودار ۱ دقیقه‌ای

نمودار ۵ دقیقه‌ای

نمودار ۱۵ دقیقه‌ای

نمودار ۱ ساعته

نمودار ۱ روزه

نمودار ۱ هفته‌ای

اگر این استراتژی یک سطح بالاتر و یک سطح پایین‌تر را دنبال کنید، وضعیت بهتری خواهید داشت. این به شما این مزیت را میدهد که حرکت قیمت را از دیدگاه‌های مختلف ببینید. همچنین ممکن است شما را نسبت به برخی علائم هشدار دهنده آگاه کند که ممکن است در تایم فریم‌های پایین‌تر یا بالاتر وجود داشته باشد، اما در تایم فریم مورد نظر شما وجود نداشته باشد.

با توجه به فرمول یک سطح بالاتر و یک سطح پایین‌تر، و بررسی نمودارهای تایم فریم یک سطح بالاتر و یک سطح پایین‌تر، در اینجا به مزایای بررسی نمودارهای تایم فریم پایین‌تر و بالاتر اشاره میشود:

مزیت بررسی نمودارهای تایم فریم پایین‌تر چیست؟ شما سیگنال‌های زودتری را مشاهده خواهید کرد. یک تغییر روند بالقوه ابتدا در تایم فریم‌های کوچکتر دیده میشود.

مزیت بررسی نمودارهای تایم فریم بالاتر چیست؟ شما زمینه یا بافت کلی را مشاهده خواهید کرد. همچنین ایده روند کلی سهام یا شاخص خود را به دست خواهید آورد.

برخی افراد میگویند که RSI برای نمودارهای روزانه اختراع شده است، بنابراین RSI در آن تایم فریم بهترین عملکرد را دارد.

با این حال، اندرو کاردول نشان داده است که میتواند به همان خوبی در تایم فریم هفتگی نیز کار کند. اما فراموش نکنیم که کاردول RSI را برای اهداف خود تغییر داده بود. اگر بخواهیم در تایم فریم دیگری غیر از روزانه معامله کنیم، میتوانیم این کار را انجام دهیم. به یاد داشته باشید، سیگنال‌های نمودار تایم فریم پایین‌تر در مقایسه با تایم فریم‌های بالاتر، درصد سود کمتری را ارائه میدهند. بنابراین انتظار نداشته باشید که یک سیگنال پیش‌بینی سود ۲۰ درصدی را در نمودار ۱ دقیقه‌ای پیدا کنید. واقع‌بین باشید و فقط انتظار یک سیگنال سود ۲ درصدی را در نمودار ۱ دقیقه‌ای داشته باشید.

اگر درصد سود بالاتری میخواهید، بر اساس نمودارهای تایم فریم بالاتر معامله کنید. اگرچه یک نکته وجود دارد: تایم فریم‌های بالاتر سود بهتری را وعده میدهند، اما عیب آن این است که برای جمع‌آوری سود خود باید بیشتر صبر کنید. هرچه درصد سود بیشتری بخواهید، تایم فریم بالاتری را باید انتخاب کنید، اما برای ثبت آن نیز آماده صبر طولانی‌تر باشید.

چالش تعیین تعداد دوره‌ها در RSI

اکثر معامله‌گران روزانه برای تولید سیگنال‌های بیشتر، تعداد دوره‌ها (n) در RSI را کاهش میدهند. کاهش تعداد دوره‌ها باعث نوسانات بیشتر RSI میشود (جایی که سیگنال‌های بیشتری دریافت میکنید) و افزایش تعداد دوره‌ها، RSI را پایدارتر میکند (جایی که سیگنال‌های کمتری دریافت میکنید). برخی از معامله‌گران روزانه از RSI با دوره ۹ استفاده میکنند و برخی حتی از RSI با دوره ۳ یا ۲ استفاده میکنند.

با این حال، برخی از کارشناسان قویاً توصیه میکنند که به دلیل ظرفیت پیش‌بینی منحصربه‌فرد آن، همیشه باید از RSI با دوره ۱۴ در تمام افق‌های زمانی استفاده شود. آنها میگویند که فقط RSI با دوره ۱۴ به طور موثر به عنوان یک شاخص پیشرو عمل میکند. در سایر تایم فریم‌ها، به نوعی و تا حدودی قدرت پیش‌بینی خود را از دست میدهد.

چالش تعیین روند

فراموش نکنیم که با تغییر تایم فریم، روند نیز تغییر میکند.

هنگامی که به نمودارهای تایم فریم‌های مختلف نگاه میکنید، باید بدانید روند غالب در آنها چیست. کاملاً ممکن است یک روند صعودی در نمودار هفتگی، یک روند نزولی در نمودار روزانه و یک روند صعودی در نمودار ساعتی مشاهده کنید.

حالا چه باید کرد؟ با کدام روند باید همراه شوید؟

تعیین روند یک سوال حیاتی برای معامله‌گران است، زیرا حرکت اصلی قیمت در جهت روند اتفاق میافتد، به همین دلیل گفته میشود: "روند دوست شماست."

شما به سادگی مینویسید:

هفتگی: صعودی

روزانه: نزولی

ساعتی: صعودی

البته، نمودار تایم فریم بالاتر روند بلندمدت سهام را تعیین میکند، اما تایم فریم های دیگر نقش خود را در تعیین روندهای میان مدت و کوتاه مدت ایفا میکنند.

در مثال ما، نمودار هفتگی در یک روند صعودی اولیه قرار دارد. اما روند کوتاه مدت آن نزولی است. شاید به دلیل برداشت سود، اصلاح قیمت، جریان اخبار یا هر دلیل دیگری. به همین دلیل است که شما روند نزولی را در نمودار روزانه مشاهده میکنید.

خوب است به خاطر داشته باشید که نمودار روزانه در روند نزولی قرار دارد، زیرا یک اصلاح قیمت در نمودار هفتگی در حال انجام است.

به محض اینکه اصلاح قیمت نمودار هفتگی به پایان برسد، شاهد تغییر روند در نمودار روزانه خواهید بود و یک روند صعودی جدید آغاز خواهد شد. شاید در همین زمان یک واگرایی صعودی در نمودار روزانه مشاهده کنید که به شما هشدار میدهد روند در حال تغییر است. این پیش‌بینی میکند که اکنون نمودار روزانه با روند اصلی نمودار هفتگی همسو خواهد شد.

نمودارهای تایم فریم بزرگتر روندهای بلندمدت را تعیین میکنند، در حالی که نمودارهای تایم فریم کوتاه‌تر اغلب سیگنال های زود هنگامی در مورد تغییرات روند ارائه میدهند.

به طور خلاصه، این کل موضوع را جمع‌بندی میکند:

تایم فریم	روند اصلی	روند ثانویه
نمودار هفتگی	صعودی	نزولی
نمودار روزانه	نزولی	صعودی
نمودار ساعتی	صعودی	

بنابراین میبینید که روند ثانویه تایم فریم بالاتر ممکن است به روند اولیه تایم فریم پایین‌تر تبدیل شود.

همیشه در مورد روندها در تایم فریم های مختلف شفافیت کسب کنید، زیرا این کار از سردرگمی زیادی جلوگیری میکند. هنگامی که به سه نمودار با تایم فریم مختلف نگاه میکنید، ممکن است سیگنال های متناقضی را در آنها مشاهده کنید. ممکن است یک سیگنال فروش در نمودار روزانه و یک سیگنال خرید در نمودار ساعتی ببینید.

معمولاً ما باید در جهت روند تایم فریم یک سطح بالاتر معامله کنیم، بنابراین میتوانیم یکی از این دو کار را انجام دهیم:

- منتظر سیگنال هایی بمانیم که با روند تایم فریم بالاتر همسو هستند.

- به هر حال با حد ضرر (stoploss) سختگیرانه وارد معامله شویم.

چرا تایم فریم مهم است؟

انتخاب تایم فریم مناسب مهم است، زیرا معامله‌گران هر تایم فریم شخصیت های متفاوتی دارند.

اگر شما با نمودار ۵ دقیقه‌ای معامله میکنید، مانند معامله‌گرانی فکر خواهید کرد که بر اساس نمودارهای ۵ دقیقه‌ای نیز معامله میکنند.

شما به رویکرد بلندمدت اهمیت نمیدهید، به حد ضرر سختگیرانه پایبند خواهید بود، به دنبال سودهای کوچک خواهید بود و سود خود را به سرعت برداشت خواهید کرد. شعار آنها این است: سریع وارد شوید، سریع خارج شوید. آنها معمولاً پول یا صبر زیادی ندارند.

هیچ اشکالی در این نیست! با این حال، این شخصیت معمولی این تایم فریم خاص است و اگر شما بر اساس نمودار ۵ دقیقه‌ای معامله میکنید، باید این فلسفه را اتخاذ کنید. یک معامله‌گر نمودار ۵ دقیقه‌ای نگران سود یا زیان بلندمدت نیست. او نگران این نیست که آیا یک شرکت فردا ورشکست خواهد شد یا خیر. او فقط به حال و اکنون اهمیت میدهد. به همین دلیل است که او اغلب معاملات پرریسک‌تری انجام میدهد.

معامله‌گران نمودارهای دقیقه‌ای معمولاً در معاملات آتی و اختیار معامله میکنند، زیرا پتانسیل سود بهتری در آنجا وجود دارد. آنها فاقد یک پایه سرمایه قوی هستند، بنابراین اغلب با اهرم معامله میکنند. ببینید، اگر سرمایه زیادی ندارید، نمیتوانید سهام بخرید و نگه دارید. شما لزوماً باید در بخش معاملات آتی و اختیار معامله کنید. با این حال، فراموش نکنید که حتی

مؤسسات بزرگ، سرمایه‌گذاران خارجی (FIIs) و سرمایه‌گذاران داخلی (DIIs) نیز در بخش معاملات آتی و اختیار معامله میکنند، کسانی که سرمایه زیادی در اختیار دارند. برای هر معامله‌گر خرد، کسب سود در معاملات آتی و اختیار معامله مانند نبرد داوود و جالوت است.

از طرف دیگر، معامله‌گران معمولی نمودار روزانه معمولاً سرمایه‌گذاران خرد هستند که تمام وقت در شغل یا حرفه‌ای کار میکنند و درآمد باقیمانده یا قابل تصرف خود را با یک بازه زمانی معاملاتی چند ماهه سرمایه‌گذاری میکنند. برخی از آنها نمیتوانند بازار را در ساعات معاملات پیگیری کنند. آنها برای برداشت سود عجله‌ای ندارند و پول بیشتری نسبت به معامله‌گران روزانه دارند. آنها با نمودارهای دقیقه‌ای سودا نمیکند و نگران نوسانات کوتاه‌مدت نیستند. آنها درصد سود بالاتری نسبت به معامله‌گران روزانه میخواهند. برخی از آنها معامله‌گران نوسانی (swing traders) و برخی دیگر سرمایه‌گذاران طرح‌های پس‌انداز منظم (SIP investors) هستند. بیشتر آنها معامله‌گران پاره‌وقت هستند که پول به سختی به دست آورده خود را در بازار سهام سرمایه‌گذاری میکنند تا بازدهی بهتری نسبت به سپرده ثابت بانکی کسب کنند. آنها محافظه‌کار و امنیت محور هستند.

کسانی که بر اساس نمودار هفتگی معامله میکنند در طبقه متفاوتی قرار دارند. معمولاً نظر معامله‌گران تایم فریم بزرگتر غالب است، زیرا آنها پول بیشتر، صبر بیشتر و قدرت بیشتری برای حرکت دادن بازارها برای مدت طولانی‌تر دارند. معمولاً سرمایه‌گذاران تایم فریم بزرگ صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، صندوق‌های بازنشستگی، مؤسسات مالی بزرگ، سرمایه‌گذاران خارجی (FIIs) یا معامله‌گران/سرمایه‌گذاران بزرگ هستند. آنها معمولاً یک بازه زمانی طولانی‌تر دارند و برای سودهای کوتاه‌مدت، در بخش معاملات آتی و اختیار معامله میکنند. به یاد داشته باشید، آنها متخصصانی با مدارک عالی در امور مالی هستند. و به دلیل نفوذشان، اغلب زودتر از معامله‌گران خرد به اخبار داخلی دسترسی دارند.

نکته مهم: نمودارهای روزانه بیشتر توسط سرمایه‌گذاران خرد استفاده میشود و نمودارهای هفتگی بیشتر توسط سرمایه‌گذاران نهادی استفاده میشود (اگرچه آنها گاهی اوقات به نمودارهای ماهانه نیز توجه میکنند، زیرا برای مدت طولانی‌تری سرمایه‌گذاری میکنند). جای تعجب نیست که سهامداران خرد و متخصصان به نظر نمیرسد در یک صفحه باشند! ببینید، آنها بر اساس نمودارهای مختلف تصمیم میگیرند. بنابراین اگر قصد دارید مانند یک حرفه‌ای معامله کنید، شروع به توجه به نمودارهایی کنید که متخصصان میبینند. به طور خاص، نمودارهای هفتگی را به خوبی مطالعه کنید، زیرا این تایم فریم مورد علاقه سرمایه‌گذاران بزرگ است.

چالش سطوح اشباع خرید/فروش چندگانه

تایم فریم های مختلف میتوانند در مورد RSI باعث سردرگمی شوند.

فرض کنید شما معامله‌گری هستید که نمودار اصلی‌اش نمودار روزانه است.

شما نمودار یک سطح پایین‌تر را بررسی میکنید و در نمودار ۱ ساعته متوجه میشوید که RSI بالای ۷۰ است، که به معنی اشباع خرید است. فوراً فکر میکنید، آیا از اینجا سقوط خواهد کرد؟

شما نمودار روزانه را بررسی میکنید؛ در آنجا متوجه میشوید که RSI در سطح ۶۰ قرار دارد و فضای زیادی برای صعود دارد.

و اگر یک سطح بالاتر بروید و نمودار هفتگی را بررسی کنید، متوجه میشوید که RSI در نمودار هفتگی در سطح ۵۰ قرار دارد، بنابراین عملاً پس از عبور از خط میانی حرکت صعودی خود را آغاز میکند.

سیگنال‌های تایم فریم بالاتر غالب خواهند بود، اما RSI راهی برای مدیریت کل موضوع پیدا خواهد کرد. ببینید، در یک روند صعودی قوی، حتی یک کندل قرمز میتواند RSI یک ساعته را از سطح ۷۰ به ۳۰ برساند. به RSI ایمان داشته باشید و هر زمان که سطوح اشباع خرید را در نمودار تایم فریم پایین‌تر مشاهده کردید، آماده یک دوره اصلاح کوتاه‌مدت باشید.

نکته مهم: اگر روند هفتگی صعودی باشد و روند روزانه نشانه‌های ضعف را نشان دهد، ممکن است زمان اصلاح در روند هفتگی باشد. بنابراین اگر از نمودار تایم فریم پایین‌تر برای تشخیص اصلاحات تایم فریم بالاتر استفاده کنید، میتوانید زمان‌بندی خود را بهبود ببخشید.

فصل ۹: ۲۰ استراتژی معاملاتی محبوب RSI

"در بهترین حالت، شما ممکن است با هر استراتژی، از جمله استراتژی با RSI، به نرخ برد ۶۰٪ دست یابید." - Tradingsim.com

۱. RSI + سطح حمایت/مقاومت

۲. RSI ساده

۳. RSI با دوره ۲

۴. تقاطع خط میانی

۵. کف دوقلو RSI

۶. واگرایی قیمت/RSI

۷. سر و شانه معکوس RSI

۸. شکست خط روند مقاومتی RSI

۹. حمایت خط روند RSI

۱۰. RSI + الگوی اپوشای صعودی

۱۱. RSI + MACD

۱۲. بازگشت مثبت

۱۳. RSI + کانال قیمت

۱۴. RSI + میانگین های متحرک

۱۵. RSI + باند بولینگر

۱۶. RSI + میانگین های متحرک

۱۷. RSI + میانگین متحرک ساده ۲۰ روزه (SMA)

۱۸. تقاطع میانگین RSI ۹ روزه

۱۹. Stochastic + MA + RSI

۲۰. CCI + RSI

در واقع، ده‌ها روش برای معامله با RSI وجود دارد.

در این فصل، ۲۰ استراتژی معاملاتی محبوب را خواهید یافت که در آن معامله‌گران از RSI به نفع خود، چه به طور مستقل و چه با کمک ابزار/اندیکاتور دیگری استفاده میکنند.

به آنها نگاه کنید، بررسی کنید و اگر هر یک از آنها برایتان جذاب بود، بک تست بگیرید و زرادخانه استراتژی معاملاتی خود را به‌روزرسانی کنید.

RSI به تنهایی یک نیروی قدرتمند است، اما جنبه‌های بسیار زیادی دارد که ما به راحتی میتوانیم پیام آن را اشتباه متوجه شویم. من اغلب آنقدر درگیر واگرایی‌ها میشوم که به دلیل تمرکز بر آنها، متوجه بازگشت‌ها نمیشوم تا اینکه خیلی دیر میشود.

به همین دلیل لازم است سیگنال‌های RSI را با سایر اندیکاتورها یا سیگنال‌ها تأیید کنیم، اگرچه صادقانه بگویم فکر نمیکنم که میانگین‌های متحرک در اینجا کمکی کنند. همانطور که قبلاً بحث کردیم، میانگین‌های متحرک اندیکاتورهای تأخیری هستند، در حالی که RSI یک اندیکاتور پیشرو است. با این حال، این هشت ابزار تأیید معمولاً در معاملات RSI استفاده میشوند:

۱. خط روند قیمت و خط روند RSI (برای یافتن سطوح حمایت و مقاومت)

۲. سطوح حمایت و مقاومت افقی (زیرا قیمت حافظه دارد)

۳. باندهای بولینگر

۴. تقاطع میانگین متحرک

۵. میانگین متحرک خود RSI

۶. کندل‌های صعودی یا نزولی در نقاط عطف مهم

۷. نمودار تایم فریم بالاتر

۸. حجم

"حجم معمولاً زمانی افزایش مییابد که قیمت‌ها در جهت اصلی خود حرکت میکنند؛ در طول روند مخالف، در طول اصلاحات یا در طول توقف در حرکت یک سهم، کاهش میابد." - دونالد ال کسیدی

به یاد داشته باشید، امروزه بیشتر معاملات توسط رایانه‌ها با الگوریتم‌هایی توسط کارگزاران بزرگ، بانک‌ها یا معامله‌گران بزرگ انجام میشود. بنابراین ما باید یک استراتژی محکم آماده کنیم.

نکته مهم: اکثر معامله‌گران خرد نرخ موفقیت ۱۰٪ را میخواهند، که در بازار سهام غیرممکن است. به همین دلیل است که آنها حد ضرر تعیین نمیکند یا ضرر را نمیپذیرند، بلکه به معاملات بازنده میچسبند. آنها یک استراتژی معاملاتی مشخص ندارند؛ امید استراتژی آنهاست.

به نظر من، معامله‌گران باید هدف نرخ موفقیت ۵۰٪ را دنبال کنند. آماده باشید که در معاملات خود ۵ بار از ۱۰ بار اشتباه خواهید کرد. طبیعتاً، این امر شما را مجبور میکند تا یک استراتژی بهتر ایجاد کنید، جایی که به معاملات سودآور خود اجازه میدهید ادامه پیدا کنند و معاملات زیان‌ده را زودتر متوقف کنید. من نیز در اینجا اعتراف میکنم؛ من هم باید این را به خاطر بسپارم.

اگر مرا باور نمیکنید، حداقل به توصیه اندرو کاردول گوش دهید: "ما یک معامله‌گر هستیم. ما به بازار میرویم و میدانیم که میخواهیم سود کسب کنیم و ضرر خواهیم کرد، اما باید مایل باشید وقتی اشتباه میکنید اعتراف کنید، زیرا موفق‌ترین معامله‌گران جهان فقط ۳۰٪ تا ۴۰٪ مواقع درست میگویند، درست مانند کسب عنوان بهترین بازیکن بیسبال. شما هر بار نمیتوانید یک ضربه هوم ران بزنید. سعی نکنید هوم ران بزنید. سعی کنید بفهمید بازار چه چیزی را به شما نشان میدهد."

بنابراین در اینجا ۲۰ استراتژی معاملاتی محبوب RSI آورده شده است تا تصویری از نحوه ساخت استراتژی توسط برخی دیگر از معامله‌گران به شما بدهد:

۱. RSI + سطح حمایت/مقاومت

- RSI با دوره ۱۴ زیر ۳۰ است (اشباع فروش).
- قیمت در حال آزمایش یک ناحیه حمایتی است.

- بالای هر کندل/میله قیمت صعودی خرید کنید.

۲. RSI ساده (Vanilla RSI)

این ساده‌ترین استراتژی است، به همین دلیل به آن استراتژی وانیلی میگویند.

- زمانی که RSI از پایین سطح ۳۰ را قطع کرد، خرید کنید.
- زمانی که RSI به نزدیکی سطح ۷۰ رسید، از معامله خارج شوید.

۳. RSI با دوره ۲

RSI با دوره ۲ ابتکار لری کانرز است. این دوره بازگشت غیرمعمول، RSI را به یک ابزار زمان‌بندی کوتاه‌مدت فوق‌العاده تبدیل میکند.

- معامله‌گران باید به دنبال فرصت‌های خرید باشند زمانی که RSI با دوره ۲ به زیر ۱۰ میرود.
- ابتدا، روند اصلی را با استفاده از یک میانگین متحرک بلندمدت شناسایی کنید؛ کانرز میانگین متحرک ۲۰۰ روزه را توصیه میکند. روند بلندمدت صعودی است زمانی که یک سهم بالاتر از میانگین متحرک ساده ۲۰۰ روزه خود باشد.

- معامله‌گران باید زمانی که قیمت بالاتر از میانگین متحرک ساده ۲۰۰ روزه است، به دنبال فرصت‌های خرید باشند.
- کانرز خروج از موقعیت‌های خرید را در صورت حرکت قیمت بالاتر از میانگین متحرک ساده ۵ روزه توصیه میکند.

۴. تقاطع خط میانی (Centreline Crossover)

قبلاً RSI ساده (Vanilla RSI) را دیدیم. این استراتژی تا حدودی مشابه آن است، زیرا بسیار اساسی است.

- هر زمان که RSI از پایین خط میانی ۵۰ را قطع کرد، وارد موقعیت خرید شوید. زمانی که به نزدیکی سطح ۷۰ رسید، خارج شوید.

۵. کف دوقلو (RSI Double Bottom)

این استراتژی بر اساس مفهوم Failure Swing (الگوی W) و تا حدودی بر اساس واگرایی‌های صعودی بنا شده است. احتمال موفقیت را افزایش میدهد، اگرچه هیچ تضمینی وجود ندارد که RSI در این بین شما را رها نکند.

- اولین کف قیمت با حجم سنگین تشکیل میشود. پس از اولین فروش گسترده قیمت، که منجر به شکست سطح ۳۰ در RSI نیز میشود، سهم یک رالی بازگشتی سریع خواهد داشت.
- این رالی کوتاه‌مدت است و به دنبال آن یک واکنش بازگشتی سریع دیگر رخ میدهد که کف اول را میشکند.
- این دومین کف جایی است که حد ضررها از کف واکنش اول فعال میشوند. مدت کوتاهی پس از شکستن کف با چند واحد، سهم به شدت شروع به صعود میکند. این دومین کف نه تنها یک کف دوقلو در نمودار قیمت تشکیل میدهد، بلکه در شاخص قدرت نسبی (RSI) نیز همین اتفاق میافتد.
- دلیل اینکه این رالی دوم قدرت دارد این است که (۱) خریداران ضعیف در واکنش دوم از موقعیت خود خارج شده‌اند و (۲) فروشندگان استقراضی جدید تحت فشار قرار میگیرند تا از موقعیت خود خارج شوند. ترکیب این دو نیرو باعث ایجاد رالی‌های شدید در یک بازه زمانی بسیار کوتاه میشود.

۶. واگرایی قیمت (Price/RSI Divergence)

این یک استراتژی ساده و قوی است، اگرچه چندین شرط و اما در اینجا وجود دارد.

- زمانی که واگرایی صعودی RSI را مشاهده کردید، خرید کنید، یعنی زمانی که قیمت یک کف جدید میسازد، اما RSI این کار را نمیکند.
 - در صورت مشاهده عملکرد قیمت نزولی یا در سطح مقاومت بفروشید.
- همانطور که در فصل ۵ در مورد واگرایی‌ها بحث کردیم، RSI تمایل دارد چندین واگرایی نشان دهد، بنابراین اگر در اولین واگرایی خرید کنید، ممکن است قیمت از تصمیم شما حمایت نکند. معمولاً خرید در دومین واگرایی امن‌تر است.

۷. سر و شانه معکوس (RSI Inverted Head & Shoulders)

- زمانی که یک الگوی سر و شانه معکوس (یک سیگنال بازگشت روند صعودی) در پنل RSI مشاهده کردید، خرید کنید.
- زمانی که RSI به نزدیکی سطح ۷۰ رسید، سود خود را برداشت کنید.
- برای تأیید، در کندل صعودی و در سطح حمایت خرید کنید.

۸. شکست خط روند مقاومتی (RSI Resistance Trendline Breakout)

- زمانی که RSI خط روند مقاومتی خود را میشکند، زمان ورود به موقعیت خرید است. این معمولاً امن است، با این حال باید از کندل‌ها و سطوح حمایت و مقاومت نیز تأیید بگیریم.
- حجم نیز میتواند شکست RSI را تأیید کند.

۹. حمایت خط روند (RSI Trendline Support)

- زمانی که RSI در خط حمایت خود حمایت میشود و شروع به حرکت به سمت بالا میکند، خرید کنید.
- زمانی که RSI به نزدیکی سطح ۷۰ رسید، موقعیت خود را ببندید.

۱۰. RSI + الگوی پوشای صعودی (RSI + Bullish Engulfing)

- زمانی که RSI سیگنال اشباع فروش میدهد و از این ناحیه خارج میشود و همزمان یک کندل پوشای صعودی در نمودار ظاهر میشود، خرید کنید.
- زمانی که RSI به نزدیکی سطح ۷۰ رسید، موقعیت خود را ببندید.

۱۱. RSI + MACD

- زمانی که RSI سیگنال اشباع فروش میدهد و این سیگنال با تقاطع خط سیگنال MACD تأیید میشود، خرید کنید.
- اگر هر یک از این دو اندیکاتور سیگنال خروج داد، موقعیت خود را ببندید.

۱۲. بازگشت مثبت (Positive Reversal)

- در یک روند صعودی، زمانی که یک بازگشت مثبت مشاهده کردید و پس از آن قیمت شروع به افزایش کرد، خرید کنید.
- سود را با استفاده از فرمول ارائه شده در فصل ۶ کتاب در مورد بازگشت‌ها محاسبه کنید.
- موقعیت خود را کمی پایین‌تر از هدف پیش‌بینی شده ببندید.

۱۳. RSI + کانال قیمت (RSI + Price Channel)

- این استراتژی فقط در کانال‌های قیمت قابل استفاده است.
- زمانی که قیمت از خط پایین کانال جهش میکند و RSI نیز از ناحیه اشباع فروش خود جهش میکند، خرید کنید.
- زمانی که قیمت به نزدیکی خط بالایی کانال رسید، موقعیت خود را ببندید.

۱۴. RSI + میانگین‌های متحرک (RSI + Moving Averages)

- این استراتژی توسط معامله‌گران روزانه فارکس استفاده میشود.
- تایم فریم: ۱ روزه
- میانگین‌های متحرک: EMA با دوره ۵ و EMA با دوره ۱۲
- زمانی که EMA با دوره ۵، EMA با دوره ۱۲ را از پایین به سمت بالا قطع میکند و RSI بالای سطح ۵۰ باشد، خرید کنید.

۱۵. RSI + باند بولینگر (RSI + Bollinger Band)

- معامله‌گران روزانه از این استراتژی در نمودار ۱ دقیقه‌ای استفاده میکنند.
- دوره باند بولینگر: ۴۰

- دوره RSI: ۶
- زمانی که قیمت از خط پایینی باند بولینگر افزایش می‌یابد و RSI از سطح ۲۰ افزایش میابد، خرید کنید.
- روش سنتی استفاده از باند بولینگر، معامله برای بازگشت‌ها است. اگر قیمت به باند بالایی یا پایینی برخورد کند، احتمالاً معکوس خواهد شد زیرا قیمت‌ها قبلاً به انتهای شدید رسیده‌اند. تأییدیه‌ها:
- واگرایی RSI
- الگوهای کندل استیک صعودی
- اگر به دنبال خرید هستید، زمان ایده‌آل زمانی است که قیمت در باند پایینی باشد، RSI در منطقه اشباع فروش باشد، یک واگرایی صعودی RSI وجود داشته باشد و کندل استیک یک الگوی صعودی را نشان دهد.

۱۶. RSI + میانگین‌های متحرک (RSI + Moving Averages)

این استراتژی برای معاملات روزانه است و یک استراتژی ورود با تقاطع RSI/MA است. این یک استراتژی سود کم و ریسک کم است.

- در نمودار ساعتی (نمودار ۶۰ دقیقه‌ای)، دوره RSI را روی ۲۱ تنظیم کنید.
- یک میانگین متحرک با دوره ۱۰ از RSI بگیرید.
- معاملات فقط در جهت روند انجام میشوند، بنابراین برای خرید منتظر یک روند صعودی باشید.
- در طول یک روند صعودی، RSI به زیر ۴۰ حرکت میکند.
- پس از آن، زمانی که RSI دوباره میانگین متحرک خود (۱۰) را به سمت بالا قطع کرد، وارد موقعیت خرید شوید.
- زمانی که قیمت کمی به نفع شما حرکت کرد، موقعیت خود را ببندید.

۱۷. $RSI +$ میانگین متحرک ساده ۲۰ روزه $(RSI + 20 SMA)$

این یک استراتژی نوسان‌گیری است که از نمودار روزانه استفاده میکند.

- دوره RSI: ۵ روزه
- قیمت باید بالاتر از میانگین متحرک ساده ۲۰ روزه باشد که نشان دهنده یک روند صعودی است.
- منتظر بمانید تا قیمت پایین بیاید و خط میانگین متحرک ساده ۲۰ روزه را لمس کند.
- حالا به RSI نگاه کنید، اگر زیر سطح ۵۰ کف زده و شروع به بالا رفتن کرده است.
- این سیگنال خرید است. سودهای سریع بگیرید.

۱۸. تقاطع میانگین RSI ۹ روزه $(RSI 9 \text{ day Average Crossover})$

در اینجا از خط سیگنال میانگین نمایی RSI ۹ روزه استفاده میشود، که قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ایم.

- زمانی که خط RSI خط میانگین خود را از پایین به سمت بالا قطع کرد، خرید کنید.
- پس از کمی سود، موقعیت خود را ببندید.

۱۹. $RSI + Stochastic + MA (RSI + Stochastic + MA)$

- میانگین متحرک (MA) دوره ۱۰

زمانی که:

- قیمت از پایین به بالا میانگین متحرک را قطع میکند.
- RSI و Stochastic از ناحیه اشباع فروش خارج میشوند.

- هر سه سیگنال باید ظرف سه کندل دریافت شوند، در غیر این صورت ارزش خود را از دست میدهند.

۲۰. $RSI + CCI$ ($RSI + CCI$)

- دوره RSI: ۳۰
- دوره CCI: ۶
- زمانی که RSI بالای خط ۵۰ باشد و CCI تقاطع -۱۰۰ را از پایین به بالا نشان دهد، خرید کنید.
- زمانی که RSI خط ۵۰ را از بالا به پایین قطع کرد، موقعیت خود را ببندید.

فصل ۱۰: شکستن یک افسانه: آیا RSI میتواند برای چندین ماه در وضعیت اشباع خرید/فروش باقی بماند؟

کارشناسان میگویند که در یک سهم، RSI میتواند برای چندین ماه یا حتی سال در منطقه اشباع خرید یا فروش باقی بماند.

خب، خب، این یک افسانه است؛ در نمودارهای روزانه چنین چیزی اتفاق نمیافتد.

در مطالعه نمودارهای روزانه شاخص Nifty، من این موضوع را درست نیافتم. من حتی یک سهم را پیدا نکردم که در آن RSI برای بیش از سه ماه در نمودار روزانه در وضعیت اشباع خرید یا فروش باقی مانده باشد.

شاید چنین چیزی در فارکس یا کالاها اتفاق بیفتد.

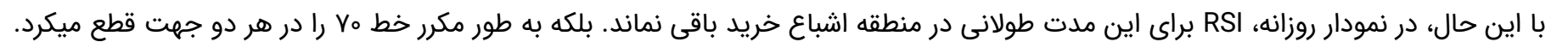
یا شاید در سهام های دستکاری شده توسط اپراتورها یا سهام های دارای محدودیت نوسان روزانه مانند Ruchi Soya اتفاق بیافتد.

یا شاید در نمودارهای با تایم فریم بالاتر غیر از نمودار روزانه اتفاق بیفتد.

در مطالعه ۱۵ ساله سهام ۵۰ Nifty، من دریافتم که در نمودارهای هفتگی، سهامی مانند ICICI Bank، HUL، Hero Moto، HDFC Bank، HDFC، Grasim، GAIL، Bajaj Auto، Britannia، Vedanta، Titan، TCS، Shree Cement، Reliance، Nestle، Maruti، Mahindra & Mahindra، L&T، ITC، IOC، Infosys و غیره به طور همزمان برای بیش از ۴ تا ۶ ماه در منطقه اشباع خرید باقی مانده‌اند.

با این حال، در همین دوره، RSI در نمودار روزانه آنها در وضعیت اشباع خرید باقی نمانده است.

به عنوان مثال، نمودار هفتگی Britannia را بررسی کنید که در آن RSI برای ۱۰ ماه در منطقه اشباع خرید باقی ماند:



معامله‌گران عزیز، جادویی در RSI وجود دارد. RSI اسرار را فاش میکند، آیا گوش میدهید؟

و هیچ نموداری، چه هفتگی و چه روزانه، وجود نداشت که در آن RSI برای بیش از ۴ ماه در منطقه اشباع فروش باقی مانده باشد.

بنابراین میبینید، این یک افسانه بود، فقط به این دلیل که ما به متخصصانی تکیه کردیم که در مورد مدت زمان طولانی صحبت کردند، اما به ما نگفتند که این فقط در مورد نمودارهای هفتگی و آن هم به ندرت اتفاق میافتد.

در مطالعه ۵۰ سهم Nifty، من دریافتم که این اتفاق فقط یک یا حداکثر دو بار در ۱۵ سال گذشته رخ داده است. و فقط در ۴۰ درصد نمودارهای سهام اتفاق افتاده است. بنابراین دیدن آن بسیار نادر است! اما بله، میتواند در نمودار هفتگی اتفاق بیفتد. ببینید، چهار ماه به معنای ۱۸ کندل است و ممکن است زمانی اتفاق بیفتد که جو بازار بسیار صعودی باشد. اما چهار ماه به معنای حدود ۹۰ کندل در نمودار روزانه است، بنابراین احتمال وقوع آن کم است. چرا؟ زیرا فقط یک حرکت کوچک ضد روند در قیمت کافی است تا RSI را از منطقه اشباع خرید خارج کند. در تایم فریم های طولانی‌تر، RSI میتواند برای ماه‌ها (در نمودارهای هفتگی) و برای سال‌ها (در نمودارهای ماهانه) در وضعیت اشباع خرید باقی بماند، اما حتی در آنجا نیز به ندرت اتفاق میافتد.

فصل ۱۱: نکات تکمیلی

"من همیشه از سه کلید موفقیت استفاده کرده‌ام که وقتی سخنرانی میکنم در مورد آنها با مردم صحبت میکنم: روش‌شناسی، صبر و نظم. نظم برای پیروی از قوانین خود، ماندن در چارچوب قوانین خود، کنترل احساسات؛ و صبر برای، به قول خودم، اجازه دادن به بازار تا آنچه را که میخواهد انجام دهد به شما نشان دهد، نه آنچه شما میخواهید انجام دهد. خب، خیلی از مردم موضوع را به زور پیش میبرند. هیچکس اسلحه روی سرم نگذاشته تا به من بگوید چه چیزی را معامله کنم." - اندرو کاردول

معمولاً سطوح ۶۰-۷۰ در RSI منطقه اشباع خرید در نظر گرفته میشوند، اما در طول شکست‌ها، RSI در محدوده ۶۰-۷۰ بهترین حالت در نظر گرفته میشود.

RSI قدرت نسبی یک سهم را در مقایسه با قدرت تاریخی آن نشان میدهد. اگر RSI بالای ۶۰ باشد، به این معنی است که یک سهم قوی است و در موقعیت خوبی برای یک شکست قدرتمند قرار دارد. شکست به قدرت زیادی نیاز دارد و اگر یک سهم ضعیف باشد، یا شکست ناموفق خواهد بود یا سود چندانی نخواهد داشت. بهترین سطح RSI در زمان شکست باید بیشتر از ۶۰ و کمتر از ۷۰ باشد. چرا؟ چرا RSI اغلب بالای سطح ۷۰ شکست نمیدهد؟ چرا شکست‌ها معمولاً زمانی اتفاق میافتند که RSI بین سطوح ۵۰-۷۰ است؟ دلیل ساده‌ای برای این امر وجود دارد. اگر RSI به سطح اشباع خرید ۷۰ خود برسد، سرمایه‌گذاران و فروشندگان استقراری با فروش سهام، عرضه آن را افزایش میدهند. خریداران در زمان شکست، که اگر RSI به ۷۰ برسد حتماً اتفاق میافتد، عرضه قابل توجهی از سهام را نمیخواهند، بنابراین آنها از فرصت زمانی که RSI زیر ۷۰ است استفاده میکنند تا عرضه اضافی برنامه‌های شکست آنها را مختل نکند.

در مطالعه شکست‌های کانال نزولی، من دریافتم که ۷۵ درصد شکست‌ها زمانی رخ داده‌اند که RSI در محدوده ۵۱-۷۰ بوده است. هر زمان که در دوراهی این موضوع قرار گرفتید که آیا یک سهم ممکن است شکست دهد یا خیر، به سطوح RSI نگاه کنید. اگر RSI بین ۵۱-۷۰ باشد، امکان را به طور جدی بررسی کنید، در غیر این صورت زحمت نکشید. به یاد داشته باشید، ممکن است ۲۵ درصد فرصت‌ها را از دست بدهید، اما همچنان میتوانید در مورد ۷۵ درصد فرصت‌هایی که پیش روی شما قرار می‌گیرد، تصمیم سریع بگیرید.

واگرایی RSI کلید شکست‌های کانال است، بنابراین اگر کانال‌ها را معامله میکنید، باید توجه زیادی به این جنبه داشته باشید.

RSI به دلیل تغییرات قیمت جهش میکند. هرچه تغییر قیمت بزرگتر باشد، جهش بزرگتری در RSI مشاهده خواهد شد. حجم هیچ تاثیری ندارد. برای محاسبات RSI، مهم نیست که حجم

۱، ۱۰۰ یا ۱۰۰۰۰۰ باشد. به همین دلیل است که ما باید هم به RSI و هم به حجم توجه کنیم. RSI قدرت سهم را نشان میدهد و حجم تأیید میکند که آیا حرکت قیمت از حمایت خوبی از سوی بازیگران اصلی بازار برخوردار است یا خیر.

برای یک RSI قابل اعتماد حداقل به داده های ۱۵۰ کندل نیاز دارید، در غیر این صورت نوسانات بسیار زیادی وجود خواهد داشت و سیگنال های قابل اعتمادی نخواهد داد. بنابراین اگر بر اساس نمودار روزانه معامله میکنید، معامله یک سهم تازه وارد به بورس بر اساس RSI برای ۵-۶ ماه توصیه نمیشود. از طرف دیگر، اگر بر اساس نمودار هفتگی معامله میکنید، باید ۳ سال صبر کنید تا آن ۱۵۰ کندل را بدست آورید. و نمودارهای ماهانه را فراموش کنید، آنقدر صبر نخواهید داشت!

هنگامی که چشمان خود را برای تشخیص الگوهایی مانند سر و شانه یا سر و شانه معکوس آموزش میدهید، میتوانید آن را بیشتر در پنل RSI نسبت به پنل قیمت مشاهده کنید. و اگر آن را در پنل RSI تشخیص دهید، مطمئناً شانس موفقیت شما را بهبود میبخشد. ببینید، شانس موفقیت شما افزایش میابد زیرا قیمت‌ها هر ماه کف نمیسازند، اما RSI ممکن است به دلیل محدوده محدود خود از ۱ تا ۱۰۰، هر ماه کف یا سقف بسازد.

به طور کلی، واگرایی‌های RSI برای پیش‌بینی شکست های کانال نزولی بسیار قابل اعتماد هستند و نتایج میتواند بسیار سودآور باشد. نباید فراموش کنیم که واگرایی RSI یک ابزار امتحان شده برای پیش‌بینی بازگشت‌ها است و هنگامی که روند معکوس میشود، حرکات قوی ایجاد میکند.

هر سهم منحصر به فرد است. الگوها و سیگنال های منحصر به فرد خود را دارد. به همین دلیل است که ما باید رفتار و نشانه‌های منحصر به فرد یک سهم را مطالعه کنیم. به عنوان مثال، یک سهم ممکن است اغلب در کف چکش بزند، دیگری ممکن است سیگنال پوشای صعودی را بیشتر نشان دهد. یکی ممکن است ستاره صبحگاهی بدهد، دیگری ممکن است دوجی سنجاقک بدهد. به عنوان مثال، صنایع ریلاینس اغلب با یک ستاره صبحگاهی یا ستاره دوجی صبحگاهی از کف جهش میکند. اگر این ویژگی خاص را بدانید، زمانی که صنایع ریلاینس در یک روند نزولی ستاره صبحگاهی نشان دهد، به شما کمک خواهد کرد.

بازخورد

لطفاً بازخورد خود را به آدرس sdixit۱۲۳@gmail.com ارسال کنید و در آمازون امتیاز دهید.

<https://sanibourse.com>

<https://t.me/sanibabourse>